

'Iranian Architecture' in the Struggle between Intellectuals and Architects in the threshold of the 1960s

Seyedeh Mitra Hashemi

PhD Candidate in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Zahra Ahari, PhD. 

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: May 11, 2023

Accepted: September 11, 2023

(Pages: 105-123)

Seyedeh Mitra Hashemi, Zahra Ahari, 2025. 'Iranian Architecture' in the Struggle between Intellectuals and Architects in the threshold of the 1960s. *Soffeh* 35 (4): 105-123.

DOI: [10.48308/SOFEH.2023.231660.1256](https://doi.org/10.48308/SOFEH.2023.231660.1256)

Abstract:

Background and objectives: The construction of Iranian identity constitutes a central yet contested issue within contemporary Iranian architectural discourse. Understanding the historical trajectory of Iranian identity discourse and its architectural manifestations is crucial for elucidating current debates. This study focuses on the pre-Islamic Revolution period as a key juncture in the problematisation of Iranian architectural identity. Challenging previous scholarship that often positions the emergence of this issue in the late 1960s or early 1970s and presents a monolithic account primarily driven by people with architectural

Keywords:

Contemporary architecture, architecture of Pahlavi era, Iranian architecture, national identity, Iranian intellectual.



SOFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 35, Issue 4, No. 111, 2026

 ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author Email Address: z_ahari@sbu.ac.ir

[http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.231660.1256](https://doi.org/10.48308/SOFEH.2023.231660.1256)

education and state agendas, this article aims to delineate the genesis of this discursive formation within architectural debates. Furthermore, it seeks to analyse the inherent contradictions and tensions embedded within this conceptualisation.

Materials and Methods: Employing a discourse analysis approach, this research investigates the problematisation of Iranian architectural identity in the specified period through the examination of historical textual data. The analysis encompasses the identification of key actors, the institutional contexts within which the discourse unfolded, and the broader socio-political milieu shaping its articulation. The corpus of analysed documents includes texts authored by both architectural and non-architectural agents, published across a range of platforms including specialist architectural journals, general periodicals, and books.

Results & Conclusion: The findings reveal that the call for an architecture embodying a distinct Iranian identity was initially a political demand, emerging within the specific historical conjuncture of the post-1953 coup era. Initially, the intellectual elites demanded it as a reaction against the perceived intensification of Western influence in Iran. For the intellectuals, the discursive construction of Iranian architectural identity centred on the revival of historical architectural elements. However, this formulation faced resistance from modern Iranian architects, who perceived it as a challenge to their professional authority and a potential reinstatement of traditional architectural practices. Consequently, modern architects engaged in a counter-discourse, seeking to deconstruct the proposed formulation and marginalise the possibility of a direct historicist revival, thereby advocating for their own preferred architectural paradigms. This study demonstrates that, in contrast to previous accounts of homogeneity, the discourse on architectural identity during this period was characterised by agonistic struggles between diverse political and intellectual power blocs, as well as contestations between expert and non-expert voices within the field.

«معماری ایرانی»

در جدال روشنفکران و آرشیکت‌ها در آستانه دهه ۱۳۴۰^۱

سیده‌میترا هاشمی^۲

زهرا اهری^۳ 

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دریافت: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۲

(صفحه ۱۲۳-۱۰۵)

سیده‌میترا هاشمی، زهرا اهری. ۱۴۰۴. «معماری ایرانی» در جدال روشنفکران و آرشیکت‌ها در آستانه دهه ۱۳۴۰. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص ۳۵ (۴): ۱۰۵-۱۲۳.

کلیدواژگان: معماری معاصر، معماری دوره پهلوی، معماری ایرانی، هویت ملی، روشنفکر ایرانی.

چکیده

اهداف و پیشینه: هویت ایرانی یکی از مسائل مهم و درعین حال پرابهام در معماری امروز ماست. فهم ما از هویت ایرانی و چگونگی بروز آن در معماری پیشینه‌ای دارد که بررسی آن می‌تواند در روشن کردن خواست این فهم در لحظه اکنون راه‌گشا باشد. یکی از برهه‌های کلیدی در مسئله شدن هویت ایرانی در معماری سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی است. پژوهشگران پیشین سرآغاز طرح این مسئله را اواخر دهه ۱۳۴۰ یا اوایل دهه ۱۳۵۰ فرض کرده و تصویر یکدستی از تکاپوی کسب هویت ایرانی در معماری به‌دست داده‌اند و اغلب به خواست معماران تحصیل کرده و سیاست‌های حکومت منتسب کرده‌اند. هدف در این مقاله روشن کردن سرآغاز تکاپوی هویت ایرانی در معماری برهه یادشده و تضادها و تنش‌های درونی این مفهوم است.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش با رویکرد تحلیل گفتمان و با اتکا بر متون تاریخی، چگونگی مسئله شدن هویت ایرانی در معماری این برهه، نهادهای مؤثر بر آن، و زمینه شکل‌گیری آن بررسی می‌شود. اسناد تاریخی بررسی‌شده شامل متونی از معماران و غیرمعماران در نشریات تخصصی معماری، نشریات عمومی، و کتاب‌هاست.

نتایج و جمع‌بندی: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طلب معماری واجد هویت ایرانی در وهله نخست مطالبه‌ای سیاسی بود که در دوره پس از کودتای سال ۱۳۳۲ از سوی روشنفکران و در واکنش به گسترش روزافزون نفوذ دولت‌های غربی در ایران بروز یافت. در نظر روشنفکران، کسب هویت ایرانی در معماری در گرو احیای صورت معماری گذشته بود. اما این صورت‌بندی از معماری ایرانی با آرمان‌های معماران مدرن ایرانی در تضاد بود و تهدیدی علیه پایگاه حرفه‌ای ایشان در مقابل معماران سنتی به‌شمار می‌رفت. به‌همین دلیل، با مقاومت معماران مواجه شد و این گروه با واسازی صورت‌بندی پیشنهادی روشنفکران، امکان بازگشت به معماری گذشته را در لحظه اکنون به حاشیه راند و زمینه را برای عرضه صورت‌بندی مطلوب خود از معماری فراهم کرد. این مطالعه نشان می‌دهد که مبحث هویت در معماری این دوره، برخلاف تصویر منسجم ارائه‌شده در پژوهش‌های پیشین، در نزاع میان پایگاه‌های سیاسی و فکری گوناگون و رقابت میان متخصصان و غیرمتخصصان شکل گرفته است.

مقدمه

هویت ایرانی یا ایرانی - اسلامی از مهم‌ترین موضوعات معماری

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده نخست است با عنوان *شناسایی و تبیین گفتمان‌های هویت ایرانی در معماری دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰* که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی در حال انجام است.

۲. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

hashemi@ndri.ac.ir

۳. نویسنده مسئول

z_ahari@sbu.ac.ir



۱۱۱ فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی و پنجم، زمستان ۱۴۰۴، شماره ۴، پیاپی: ۱۱۱
*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

ص ۳۵
*. Corresponding Author Email Address: z_ahari@sbu.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2023.231660.1256>

پرسش‌های تحقیق

۱. تا ابتدای دهه ۱۳۴۰ هویت ایرانی چگونه در معماری ما تبدیل به مسئله شد؟
۲. در این زمان چه تصور یا تصوراتی از معماری واجد هویت ایرانی وجود داشت؟
۳. چه شرایط تاریخی در مسئله شدن هویت ایرانی مؤثر بود؟

۴. انبوه همایش‌ها و کتاب‌ها و مقالات با کلیدواژه‌های «هویت» و «معماری» شاهد آن است. همچنین نک: ماده ۱۶۹ از قانون «برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی» و بند دهم از بخش «تدابیر» سند «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت».

5. *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture*

۶. کامران افشار نادری، «حضور گذشته در تجربه معماران معاصر»، آبادی، دوره ۶، ش. ۲۳ (زمستان ۱۳۷۵): ۳۸؛ وحید قبادیان، سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر (تهران: علم معمار روایال، ۱۳۹۲)، ۲۲۸ - ۲۳۵ و ۲۶۶ - ۲۸۲؛ امیر بانی‌مسعود، معماری معاصر ایران: تکاپوی بین سنت و مدرنیته (تهران: هنر معماری قرن، ۱۳۸۸)، ۲۷۱ - ۲۷۵؛

A. Mozaffari and N. Westbrook, *Development, Architecture, and the Formation of Heritage in Late Twentieth-Century Iran: A Vital Past* (Manchester: Manchester University Press, 2020), 16.

امروز ماست که از راه‌های گوناگون تولید دانش و سیاست‌گذاری پیگیری می‌شود.^۴ با وجود اقبال گسترده به آن، تصویری روشن از چیستی هویت ایرانی و چگونگی استحصال آن وجود ندارد؛ اما فرض بر این است که معماری ایران در طی تاریخ هویتی همه‌شمول داشته که در مواجهه با معماری مدرن از دست رفته است و اکنون می‌توان برای احیای آن تلاش کرد. این مفروضات، برخلاف آنچه در نگاه نخست می‌نماید، بدیهی نیست؛ نه قائل شدن به هویت واحد در معماری ایران و چشم‌پوشی از تنوع آن در طول تاریخ و گستره جغرافیا آسان است و نه تصور اینکه آنچه از همه آزمون‌های تاریخی بی‌گزند رسته، یکباره از دست رفته است. این مفروضات و به تبع آن، خواست احیای هویت ایرانی در معماری به اقتضای شرایط تاریخی خاصی پدید آمده است که تأمل در آن می‌تواند راهگشای فهم مسئله کنونی باشد.

به گواه پژوهش‌های موجود، در سال‌های پایانی دوره پهلوی، برای دستیابی به معماری واجد هویت ایرانی اراده‌ای گسترده در کار بوده است. به دلیل تشابه برخی بناهای عمومی دهه ۱۳۵۰ به آثار معماری گذشته، برگزاری کنگره بین‌المللی «بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمانی» در سال ۱۳۴۹، و انتشار نسخه انگلیسی کتاب حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی^۵ در سال ۱۳۵۲،^۶ اغلب پژوهشگران سرآغاز تکاپوی هویت ایرانی در معماری این برهه را اواخر دهه ۱۳۴۰ یا اوایل دهه ۱۳۵۰ دانسته‌اند.^۷ حال آنکه خلق این آثار و رویدادها یکباره و ناگهانی نبوده، بلکه هم‌زمان و هم‌گام با تجسم یافتن روندهای پیشین پدید آمده است. در پژوهش حاضر با تردید در این تاریخ‌گذاری و رجوع به منابعی فراتر از متون و آثار معماری، سرآغاز پیدایی این خواسته تا میانه دهه ۱۳۳۰ دنبال می‌شود. از این زمان، تکاپویی آغاز شده که هویت ایرانی را به یکی از مهم‌ترین موضوعات معماری چند دهه بعد تبدیل کرده است. در این مقاله با تمرکز بر برهه زمانی مغفول بین کودتا (۱۳۳۲) و انقلاب سفید (۱۳۴۱)، یافتن پاسخ به این پرسش‌ها دنبال می‌شود:

تا ابتدای دهه ۱۳۴۰ هویت ایرانی چگونه در معماری ما تبدیل به مسئله شد؟ در این زمان چه تصور یا تصوراتی از معماری واجد هویت ایرانی وجود داشت؟ و چه شرایط تاریخی‌ای در مسئله شدن هویت ایرانی مؤثر بود؟



فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی و پنجم، زمستان ۱۴۰۴، شماره ۴، پیاپی: ۱۱۱
«معماری ایرانی» در جدال روشنفکران و آرشیتکت‌ها در آستانه دهه ۱۳۴۰: سیده‌میترا هاشمی، زهرا اهری

۷. سیروس سمیعی، «سیر تحول معماری بناهای عمومی تهران»، آبادی، دوره ۵، ش. ۱۹ (زمستان ۱۳۷۴): ۸۲؛ بانی مسعود، معماری معاصر ایران: تکاپوی بین سنت و مدرنیته، ۲۵۲-۲۴۳، ۲۶۸؛ علی اکبر صارمی، «جایگاه معماری ایران در جهان امروز»، آبادی، ش. ۲۷ و ۲۸ (زمستان ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷): ۱۶؛ افشار نادری، «حضور گذشته در تجربه معماران معاصر»، ۳۸؛

Mozaffari and Westbrook, *Development, Architecture, and the Formation of Heritage in Late Twentieth-Century Iran*, 28; M.R. Shirazi, *Contemporary Architecture and Urbanism in Iran: Tradition, Modernity, and the Production of 'Space-in-Between'* (Cham: Springer, 2018), 47.

بین پژوهش‌های موجود، تالین گریگور سابقه‌ای طولانی‌تر برای این جریان در نظر می‌گیرد و سرآغاز آن را ملازم با انقلاب سفید و مصادیق آن را آرامگاه‌های احداثی انجمن آثار ملی می‌داند که در اوایل دهه ۱۳۴۰ به بهره‌برداری رسید:

T. Grigor, *Building Iran: Modernism, Architecture, and National Heritage under the Pahlavi Monarchs* (New York: Periscope Publishing Ltd, 2009), 146.

اندیشه‌های روشنفکران نزدیک به حکومت به‌ویژه سیدحسین نصر بسنده کرده‌اند.^{۱۳}

در مقاله حاضر با استفاده از آموزه‌ها و روش تحلیل گفتمان و تأملی دقیق‌تر در متون تاریخی انتشاریافته در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱، به تکاپوی هویت ایرانی در معماری تا میانه دهه ۱۳۳۰ نظر داریم و به‌این‌ترتیب، به نقش مغفول و متقدم روشنفکران در شکل‌گیری این خواست می‌پردازیم. همچنین نشان خواهیم داد که، برخلاف تصور معمول، معماران تحصیل کرده یا «آرشیست‌ها»^{۱۴} در شکل‌گیری این خواسته نقشی نداشته‌اند، بلکه در ابتدا در برابر آن مقاومت کرده‌اند. چنانکه خواهیم دید، مقاومت جامعه معماری به تعارضاتی در صورت‌بندی معماری واجد هویت ایرانی منجر شد. شناسایی سرآغاز مسئله شدن هویت ایرانی در معماری، تنازعات درونی، و زمینه پیچیده شکل‌گیری آن در فهم تداوم این جریان در سال‌های پس انقلاب سفید و طرح دوباره آن در دوره پس از انقلاب اسلامی راهگشا خواهد بود.

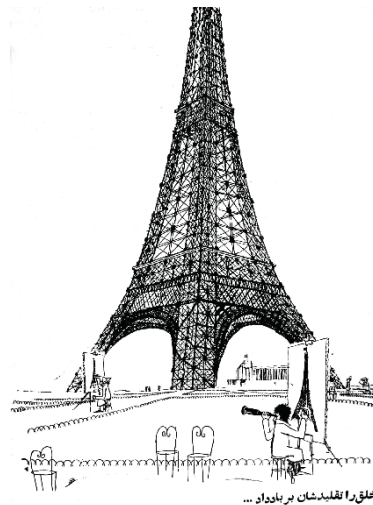
۱. روشنفکران و احیای معماری گذشته ایران

میانه دهه ۱۳۳۰ سرآغاز انتقادات بی‌سابقه از معماری کشور بود. در این زمان، چنین می‌نمود که «تقلید کورکورانه از تمدن فرنگی» و تسلیم «بدون قیدوشرط و دست‌وپا بسته» در برابر «سبک و اسلوب مدرن غربی» معماری ایران را به وضعیتی بحرانی کشانده است.^{۱۵} این انتقادات که عمدتاً از سوی روشنفکران و در نشریات و محافل عمومی طرح می‌شد، پس از طرح مبحث «غرب‌زدگی» در مجامع روشنفکری، معماری را به یکی از نخستین و حتی مهم‌ترین مصادیق آن بدل کرد^{۱۶} (ت ۱). این انتقادات مختص معماری نبود؛ مداخله دولت‌های غربی در کودتای سال ۱۳۳۲، «غرب» را در نظر روشنفکران

غفلت از مبادی و مقدمات شکل‌گیری خواست هویت در معماری ایران متجر به تبیین نادرست یا نابسندۀ آن شده است. در عمده پژوهش‌های پیشین شکل‌گیری خواست هویت ایرانی در معماری دوره پهلوی دوم به عاملیت معماران ایرانی دانش‌آموخته مدارس معماری غرب، همچون هوشنگ سیحون، نادر اردلان، و کامران دیبا،^{۱۷} و اندیشه معماران حاضر در کنگره‌های بین‌المللی معماری به‌ویژه لویی کان^{۱۸} منتسب شده است. برخی پژوهشگران متأخر نیز، که فراتر از حوزه معماری به سیاق گسترده‌تر فرهنگی و سیاسی توجه داشته‌اند، بر مداخله سیاسی دولت در حوزه معماری یا مقاومت بخشی از حکومت در برابر مدرنیزاسیون شتاب‌زده تأکید کرده‌اند.^{۱۹} افزون بر این، اغلب پژوهشگران تصویری یکدست از خواست هویت ایرانی در معماری این دوره به‌دست داده‌اند و از تعارضات درونی آن چشم پوشیده‌اند.^{۲۰}

درحالی‌که روایت رایج بر نقش جامعه معماری و حکومت بر شکل‌گیری تکاپوی هویت ایرانی در معماری این دوره متمرکز است، با بررسی دقیق‌تر منابع در مقاله حاضر روشن می‌شود که این خواسته بدو از سوی روشنفکران منتقد اقدامات این دو نهاد طرح شده است. مباحثه دیرپا درباره کیستی «روشنفکر» تا کنون به تعریفی جامع و مانع از آن نینجامیده و این اصطلاح در فضاها و زمان‌های مختلف به مصادیق گوناگونی اطلاق شده است. اما تعاریف مختلف «روشنفکر» در جوهی چون اتکا بر کار فکری در برابر کار یدی، داشتن پایگاهی برای نشر اندیشه، و رسالتی برای تأثیرگذاری در جامعه و بهبود وضعیت آن اشتراک دارد.^{۲۱} پیش‌تر برخی پژوهشگران به هم‌زمانی خواست هویت ایرانی در حوزه معماری با انتقاد از غرب‌گرایی و جستجوی اصالت فرهنگی در میان روشنفکران اشاره کرده‌اند، اما به توجه ویژه این گروه به معماری و چگونگی تأثیر اندیشه‌های ایشان در این حوزه کمتر پرداخته‌اند یا به تأثیر

ایرانی به «دیگری» تبدیل کرده بود و نفوذ سیاسی و اقتصادی فزایندهٔ ایالات متحده در ایران نیز به این وضعیت دامن می‌زد. از سوی دیگر، همدستی حکومت پهلوی با دولت‌های غربی در سرنگونی دولتی ملی سرآغاز بحران مشروعیت نظام سیاسی حاکم بود و سرسپردگی روزافزون شاه به غرب بیش از پیش روشنفکران را با نظام سیاسی حاکم بیگانه می‌کرد. «دیگری» شدن هم‌زمان حکومت و غرب زمینه‌ساز تغییری در گفتمان روشنفکری شد که خود را مہیای مقابله با تسلیم در برابر تمدن غربی می‌کرد. از آنجاکه رژیم مروج تمدن غربی به‌شمار می‌رفت، انتقاد از غربی شدن حربه‌ای برای مقابله با نظام سیاسی حاکم نیز بود.^{۱۷} در اختناق سال‌های پس از کودتا، انتقاد از نظام حاکم از عرصهٔ سیاست به حوزهٔ فرهنگ ازجمله معماری سوق یافت.^{۱۸} این وضعیت روشنفکران را در تنگنا و تناقضی قرار داد که، از یک‌سو، با اطمینان از عقب‌ماندگی کشور، همچون اسلاف خویش به دیدهٔ تحسین به دستاوردهای غرب می‌نگریستند و پیشرفت‌های آن را آرزو می‌کردند و از سوی دیگر، امید داشتند با فرهنگی کارآمدتر در برابر غرب



خلق را تقلیدشان بر باد داد ...

۸. بانی‌مسعود، معماری معاصر در ایران از سال ۱۳۰۴ تا کنون (مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۹)، ۱۰۵، ۱۷۲؛ قبادیان، سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر، ۲۶۵؛

Mozaffari and Westbrook, *Development, Architecture, and the Formation of Heritage in Late Twentieth-Century Iran*, 2; Shirazi, *Contemporary Architecture and Urbanism in Iran*, 45, 46.

۹. صارمی، «جایگاه معماری ایران در جهان امروز»، ۱۶؛ قبادیان، سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر، ۲۲۷؛ بانی‌مسعود، معماری معاصر ایران: تکاپوی بین سنت و مدرنیته، ۲۷۳؛

Mozaffari and Westbrook, *Development, Architecture, and the Formation of Heritage in Late Twentieth-Century Iran*, 2; Shirazi, *Contemporary Architecture and Urbanism in Iran*, 57.

۱. «خلق را تقلیدشان بر باد داد»، مأخذ: ایران آباد، ش ۱ (فروردین ۱۳۳۹).

ایستادگی و اصالت فرهنگی خود را حفظ کنند.^{۱۹} روشنفکران از این منظر به همهٔ امور ازجمله معماری می‌نگریستند و بحران تقلید از غرب را بدیهی می‌انگاشتند. در نظر روشنفکران، «سبکی بی‌پدرومادر» در معماری ایران رواج یافته و آن را به «بقچهٔ هزاروصله» تبدیل کرده بود.^{۲۰} روشن نبود کدام بخش از معماری مصداق این «وضع ناهنجار»^{۲۱} است اما آنچه با حمایت دولت و مشارکت معماران تحصیل کرده ساخته می‌شد، بیش از همه در معرض انتقاد بود. در نظر روشنفکران، معماری مسکونی جدید که به‌تدریج در کشور رواج می‌یافت، در ایجاد این بحران نقش داشت.^{۲۲} مداخلهٔ دولت در ساخت مسکن از طریق وضع قوانین، نهادسازی، و اختصاص بودجه از نیمهٔ دههٔ ۱۳۲۰ آغاز شده و تا این زمان گسترش یافته بود. ساخت مسکن طبقهٔ متوسط و کم‌درآمد در قالب محله‌های جدید وجهی مهم از پروژهٔ مدرنیزاسیون دولت بود که با همکاری معماران تحصیل کردهٔ غرب محقق می‌شد.^{۲۳} کوی‌های تازه‌تأسیس که وعدهٔ تحقق «آخرین اسلوب اروپایی» و احداث «پاریس ایران» و «مونت‌رال ایران» را در اطراف تهران می‌دادند،^{۲۴} نخستین مواجههٔ گستردهٔ ایرانیان با خانهٔ مدرن بودند. افزون بر معماری مسکونی، برخی ابنیهٔ عمومی مانند مسجد دانشگاه تهران که به خواست شاه به «سبک جدید معماری» ساخته شده بود،^{۲۵} مجلس سنا، شعب بانک ملی، و معماران آنها همچون محسن فروغی و حیدر غیایی نیز بحران تقلید از غرب را نمایندگی می‌کردند.^{۲۶} وجه اشتراک این دو فرد مشارکت چشمگیر ایشان در ساخت‌وسازهای دولتی بود، تاآنجا که به‌طعنه «متخصص ساختمان‌های دولتی» خوانده می‌شدند.^{۲۷}

به‌رغم انتقاد از معماری دولتی، به نقش دولت در این بحران به‌ندرت اشاره می‌شد، که در اختناق پس از کودتا معمول بود. آل‌احمد از معدود کسانی بود که به‌صراحت دولت را در ایجاد بحران مسئول می‌دانست. او سیاست‌های دولت

10. Mozaffari and Westbrook, *Development, Architecture, and the Formation of Heritage in Late Twentieth-Century Iran*, 2; Grigor, *Building Iran*, 146, 339-359; B. Tabibi, *Propagating 'Modernities': Art and architectural patronage of Shahbanou Farah Pahlavi*, PhD Thesis in Architectural History (Ankara: Middle East University, 2014).

۱۱. سمیعی، «سیر تحول معماری بناهای عمومی تهران»، ۸۲؛ قبادیان، *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر*، ۲۶۵؛ بانی‌مسعود، *معماری معاصر ایران: تکاپوی بین سنت و مدرنیته*، ۲۳۳-۲۶۸.

Mozaffari and Westbrook, *Development, Architecture, and the Formation of Heritage in Late Twentieth-Century Iran*, 15-19; Shirazi, *Contemporary Architecture and Urbanism in Iran*, 45-47; Grigor, *Building Iran*, 162-165; P. Karimi, "Old Sites, New Frontiers: Modern and Contemporary Architecture in Iran", in *A Critical History of Contemporary Architecture: 1960-2010*, Elie Haddad, David Rifkind & Peter L. Laurence (eds.) (Burlington: Ashgate Publishing Company, 2014), 370 - 374.

اکتفا نمی‌کردند، بلکه به راهی مبهم برای خروج از آن نیز نظر داشتند. نزد روشنفکران، بحران معماری زمانه در قیاس با آثار باقی‌مانده از معماری گذشته رؤیت‌پذیر می‌شد. گویی وضعیت مطلوب معماری پیش‌تر محقق شده و خروج از بحران کنونی در گرو برقراری ارتباط درست با آن بود. در نظر ایشان معماری گذشته ایران واجد ویژگی‌هایی متمایز بود و به همین مناسبت به آن «معماری ایرانی»^{۳۸} یا «معماری ملی»^{۳۹} اطلاق می‌کردند. مفروض نهان در پس این عنوان‌ها باور به پیوندی ذاتی بین اثر معماری و هویت جامعه سازنده آن بود که معماری را به معیاری برای «ارزیابی درجه تمدن و فرهنگ»^{۴۰} ملت تبدیل می‌کرد. پیوند بین معماری و ملت و دلالت معماری بر کیستی جامعه سازنده آن تصویری مدرن بود^{۴۱} که تا این زمان به‌واسطه گفتمان‌های تاریخ هنر و حفاظت، در ایران نیز بداهت یافته و آثار معماری گذشته را به «آثار ملی» بدل کرده و در نسبت با تصویر مطلوب از هویت ملی ایرانیان قرار داده بود.^{۴۲} بداهت پیوند میان معماری گذشته و هویت ایرانی معماری اکنون و آینده را نیز در پیوندی ناگزیر با معماری گذشته قرار می‌داد و آرشیکت‌ها را در جایگاه «نگهبان یکی از سنگرهای مهم ملیت ایرانیان» می‌نشانده.^{۴۳}

روشنفکران درحالی نجات معماری زمانه خود را در «تجدید حیات»^{۴۴} معماری گذشته می‌جستند که از آن مرجع و نیز سازوکار احیای آن تصویری روشن نداشتند. برخی قائل به «سبک» یا «شیوه»^{۴۵}ی واحد در همه معماری گذشته ایران بودند و از تنوع و تکثر آن چشم می‌پوشیدند^{۴۶} و برخی به اشاره به مصادیق مشهور آن به‌ویژه آثار تاریخی اصفهان اکتفا می‌کردند.^{۴۷} متون فارسی موجود درباره معماری گذشته ایران نیز از تکیه‌نگاشت برخی آثار و کوشش اولیه برای دوره‌بندی یا گونه‌شناسی معماری فراتر نمی‌رفت.^{۴۷} نگاهی دقیق‌تر به منابع این دوره نشان می‌دهد که در نظر روشنفکران قیاس معماری

در واردات بی‌رویه «مصنوعات فرنگی»، به‌صورت خاص مصالح ساختمانی، و نیز استخدام «مشاور عالی از فرنگ» در پروژه‌های عمرانی راه، که پس از کودتا در قالب اصل چهار گسترش یافته بود، به باد انتقاد می‌گرفت.^{۴۸} انتقاد او از تخریب آثار معماری گذشته همچون دروازه‌های تهران و بخشی از طاق بازار را می‌توان در سیاق مخالفت با حکومت درک کرد.^{۴۹} معدودی از روشنفکران نیز وضعیت معماری زمانه را ناشی از بحرانی کلان‌تر در جامعه از جمله افول حس زیبایی‌شناسی و از دست رفتن «قدرت خلاقه ایرانیان» می‌شمردند، اما این دیدگاه همه‌گیر نبود.^{۵۰} اسلامی ندوشن در همین سیاق، «مسئولین امر» از جمله «وزیر و وکیل و شهردار» را نیز بی‌بهره از حس زیبایی‌شناسی می‌دانست.^{۵۱}

در مقابل، آنچه اغلب نویسندگان بر آن اشتراک نظر داشتند، قصور معماران تحصیل‌کرده بود. در اغلب انتقادات، «آرشیکت‌ها» و «آقایان مهندسین» مورد خطاب بودند و با «استادان» معماری گذشته قیاس می‌شدند؛ گویی تذکر به ایشان مانع از تشدید بحران بود.^{۵۲} قصور «آرشیکت‌ها» گاه به ویژگی‌های فردی مثل «مدرستی»، «کج‌سلیقگی»، و منفعت‌طلبی تقلیل می‌یافت^{۵۳} و گاه از کاستی‌های جدی‌تر در نظام آموزش و حرفه معماری حکایت می‌کرد. اغلب آرشیکت‌های سرشناس ایران در این زمان دانش‌آموخته مدارس معماری اروپا بودند که «کارخانه غرب‌زده ساختن» به‌شمار می‌رفت.^{۵۴} از سوی دیگر، آرشیکت‌ها که هنوز در جامعه مقبول عام نشده بودند،^{۵۵} بیش از همه به «مناقصه‌های دولتی» نظر داشتند که توفیق در آن مستلزم تن دادن به تقلید از غرب بود.^{۵۶} بنابراین انتقاد از وضعیت معماری بیش از همه انتقاد از «مهندسان فاضل و درس‌خوانده و فرنگ‌دیده» و بلکه «لعن» ایشان بود.^{۵۷}

روشنفکران به تذکر درباره وضعیت بحرانی معماری

۱۲. نک: فرانسوا شاتله، «روشنفکر و جامعه»، در در دفاع از روشنفکران، ترجمه رضا سیدحسینی (تهران: نیلوفر، ۱۳۸۰). در ایران دوره پهلوی نیز (موضوع پژوهش حاضر)، روشنفکران خود را با تعبیری چون «نویسندگان متعهد» به جا می‌آوردند؛ آنان که با «فعالیت فکری» و نشر آن، در قبال «مسائل اجتماعی» موضع می‌گرفتند (نک: احمد شاملو و دیگران، «روشنفکران و انقلاب»، کتاب جمعه، ش. ۵ (۸ شهریور ۱۳۵۸)، ۳ و ۴).

۱۳. بانی مسعود، معماری معاصر ایران: تکاپوی بین سنت و مدرنیته، ۲۶۷ - ۲۷۱؛

Mozaffari and Westbrook, *Development, Architecture, and the Formation of Heritage in Late Twentieth-Century Iran*, 33- 40; Grigor, *Building Iran*, 164, 165.

۱۴. «آرشیکت» عنوانی بود که معماران تحصیل کرده از میانه دهه ۱۳۲۰ به جای «معمار» اختیار کردند تا خود را از معماران سنتی متمایز کنند. در این مقاله نیز برای تمیز این دو گروه، از عنوان «آرشیکت» برای معماران تحصیل کرده استفاده می‌کنیم. در ادامه درباره این عنوان و افتراق آن از «معمار» بیشتر توضیح خواهیم داد.

جدید و قدیم و بالتبع احیای معماری قدیم حول سه محور کلی صورت‌بندی می‌شد: برخی معماری گذشته را متناسب با «مقتضیات اقلیمی ایران» می‌دانستند.^{۴۸} تناسبی که فقدان آن در معماری جدید «آسایش و استراحت» را از ساکنان ربوده و خانه را به مکانی «در تابستان [...] گرم و خفه و در زمستان سرد و بدون آفتاب»^{۴۹} بدل کرده بود. مشخص نبود تناسب با اقلیم در معماری گذشته چگونه محقق شده است و به اشاره به برخی فضاها چون حیاط و ایوان و سرداب، و اجزایی چون بادگیر و تناسبات فضایی اکتفا می‌شد؛^{۵۰} وجه دوم که کمتر التفاتی بدان می‌شد تناسب معماری گذشته با «عقاید و رسوم مردم ایران» بود، از جمله میل به «ستر» که در تفکیک کالبد خانه به اندرونی و بیرونی و فقدان فضاهای گشوده به خیابان نمود یافته بود، مهمان‌دوستی و لزوم داشتن فضایی برای پذیرایی، و عادت نشستن بر زمین که بر ابعاد و ارتفاع کف پنجره‌ها مؤثر بود.^{۵۱} روشنفکران چندان به تداوم این ویژگی‌های اجتماعی تمایل نداشتند و بلکه تحول عادات‌های کهنه جامعه را ضروری می‌شمردند.^{۵۲}

در این میان، وجه سوم و مهم‌ترین محور پیوند معماری اکنون با گذشته صورت و به تعبیر دقیق‌تر زیبایی آن بود. «لطایف هنری» معماری گذشته مطابق با «ذوق سلیم و طبع لطیف ایرانی» شمرده می‌شد؛^{۵۳} همان چیزی که «در معماری جدید و ساختمان‌های مدرن ما از بین رفته» بود.^{۵۴} روشنفکران در توصیف زیبایی آثار معماری گذشته گاه از مفاهیم کلی و مبهم چون «تناسب»^{۵۵}، «ظرافت»^{۵۶}، و «هندسه»^{۵۷} بهره می‌بردند. اما اغلب اجزای معماری گذشته همچون قوس و گنبد و حوض و فواره و باغچه و ارسی،^{۵۸} فضاهایی چون حوضخانه و سرداب و ایوان و سرپوشیده و هشتی،^{۵۹} و به‌ویژه تزییناتی چون کاشی‌کاری و آینه‌کاری و آجرکاری و گچ‌بری را دلیل زیبایی می‌دانستند^{۶۰} و تلویحاً خواستار تکرار آن بودند.

رجوع به معماری گذشته در بدو امر مقاومتی در برابر نفوذ فرهنگی غرب می‌نمود، اما خود از نفوذ عمیق‌تر آن در اندیشه روشنفکران حکایت می‌کرد. مواجهه با «شیوه‌های معماری جدید اروپایی و آمریکایی» کمال «شیوه‌های معماری قدیم ایران» را به چالش کشیده و «نواقص» فنی و بهداشتی آن را در نظر ایشان آشکار کرده بود.^{۶۱} روشنفکران رفع نواقص معماری ایرانی را مستلزم بهره بردن و بلکه «تقلید» از روش غرب می‌دانستند.^{۶۲} در نگاهی شرق‌شناسانه، «محسّنات بنای فرهنگی»، که از قبیل فناوری و ویژگی‌های عقلانی بود، باید «مددبخش ذوق سرشار ایرانی» می‌شد.^{۶۳} باوجوداین، نکته حائز اهمیت در دیدگاه روشنفکران چنین برشمرده می‌شود که تکنیک جدید در صورت معماری ایران تعیین‌کننده نبود، بلکه صرفاً در راه «تکمیل و ترقی ابنیه قدیم» یا «تکامل شیوه‌های اصیل و جالب خود ما» به کار می‌رفت.^{۶۴} ساخت گنبد «با کلافی یکسره آهنی»^{۶۵}، تجهیز ابنیه قدیمی با «وسایل مدرن»^{۶۶}، و برآوردن آرزوی «مشتاقان هنرهای ملی» از طریق تأسیس آزمایشگاه‌هایی برای «علمی کردن صنعت کاشی‌سازی» شاهد این رویکرد بود.^{۶۷}

باین‌حال، روشنفکران تصویری روشن از تعین معماری مطلوب خود نداشتند. در بحبوحه این مباحثه پرشور، ساخت مهمان‌سرای شاه‌عباس از سال ۱۳۳۶ آغاز شد و بخشی از آن در سال ۱۳۴۱ به بهره‌برداری رسید.^{۶۸} این بنا، از وجهی، آرزوی روشنفکران برای احیای صورت معماری گذشته با استفاده از تکنیک روز دنیا را برآورده می‌کرد. نمای اتاق‌های مهمان‌سرا «با درهای مشبک به سبک قدیم و کاشی‌کاری نفیس مزین» و درعین‌حال، «از داخل با مدرن‌ترین وسایل آرایش و دستگاه‌های تهویه هوای مطبوع تجهیز شده» بود. سالن پذیرایی آن نیز «به سبک قدیم و دارای حوضخانه‌ای [...] کاشی» بود.^{۶۹} اما این بنا از بدو افتتاح با انتقاد تند روشنفکران

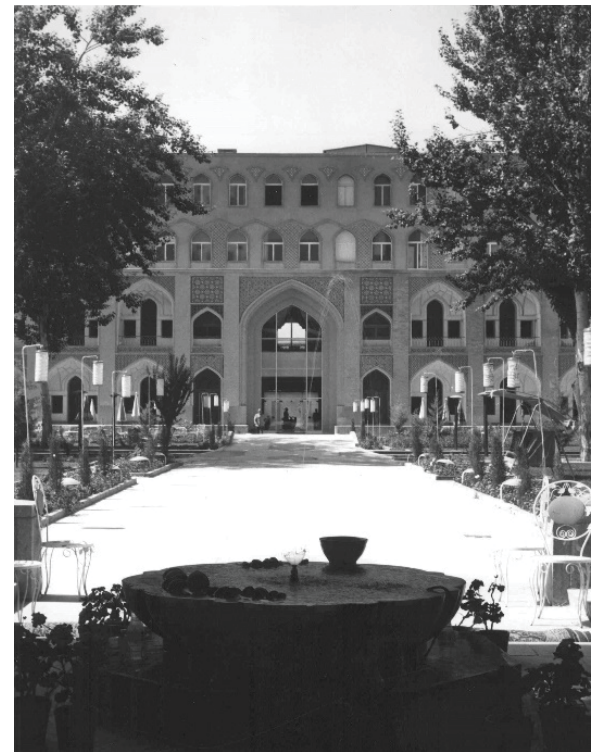
ارزشمند و شایسته حفاظت می‌کرد.^{۷۳} روشنفکران در اثبات «زیبایی شرقی» معماری گذشته ایران، بر توجه غربیان بدان اتکا می‌کردند و حتی دست به تحریف واقعیت می‌زدند.^{۷۴} به تعبیر دیگر، مخاطب معماری ایرانی مطلوب روشنفکران نه ایرانیان، بلکه «صاحب‌دلان جهان» و «جهانگردان شرق و غرب» و بلکه «توریست‌های امریکایی» بودند.^{۷۵} اقبال به آثار باقی‌مانده از معماری گذشته ایران خود ناشی از حسرت روشنفکران ایرانی برای پیشرفت‌های روزافزون غرب بود. حال که کشور نتوانسته بود همپای «پیشرفت» غرب «عقب‌افتادگی» خود را در صنعت جدید جبران کند و در صنعت اتم وارد شود، ناگزیر از تمسک به «چهار ساختمان قدیمی باقی‌مانده» بود که «ایران باستانی ما را می‌شناساند».^{۷۶} بی‌دلیل نبود که برخی روشنفکران در سال‌های بعد هشدار دادند که هیاهوی ضدیت با غرب و بزرگداشت شرق خود ریشه در «غرب‌زدگی» دارد.^{۷۷}

۲. آرشیکت‌ها و مقاومت در برابر احیای معماری گذشته

جامعه معماری از انتقادات مطرح در بیرون از این حوزه کم‌وبیش مطلع بود. برخی از آرشیکت‌های سرشناس با محافل روشنفکری مراوده داشتند که انتشار مصاحبه و مقالات ایشان در مجلات مهمی چون علم و زندگی و آرش، هم‌سفر شدن هوشنگ سیحون با جلال آل‌احمد و فرخ غفاری در نوروز ۱۳۴۱،^{۷۸} و دعوت از آل‌احمد به جلسات دآوری دانشکده هنرهای زیبا^{۷۹} از شواهد آن است. بنابراین انتقادات روشنفکران علاوه بر مطبوعات، گاه بی‌واسطه به جامعه معماری منتقل می‌شد و آن را به موضع‌گیری وامی‌داشت. مباحثه بر سر وضعیت معماری در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ دست‌کم در سه نوبت، به جدال روشنفکران و آرشیکت‌ها منجر شد. مجله علم و زندگی در سال‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ محمل نزاع جلال آل‌احمد

و مطبوعات مواجه شد. مشارکت دولت و هزینه‌هنگفت ساخت بنا در تنگنای اقتصادی ابتدای دهه ۱۳۴۰ مهم‌ترین مبنای انتقادات بود.^{۸۰} واردات بخش عمده مصالح و لوازم از اروپا نیز توجه روشنفکران را از صرف صورت معماری به سازوکار تولید آن جلب کرد.^{۸۱} هرچند برخی نیز این بنا را همچنان «هتل مدرنی» می‌دانستند که «بدون رعایت اصول و سبک تاریخی» ساخته شده است و این خود روشنگر ابهام موجود درباره معماری گذشته و ویژگی‌های آن بود.^{۸۲}

افزون بر اقبال به فن معماری غرب، در تشخیص زیبایی معماری گذشته نیز اغلب سوژه غربی ملاک بود. زیبایی معماری گذشته ما از قبیل «زیبایی‌های سرزمین هزارویک‌شب» برشمرده می‌شد که «اعجاب بینندگان»، به‌ویژه غربیان، آن را



۱۵. علی‌اکبر معین‌فر، «مد یا هنر؟ ...، بانک ساختمانی، دوره اول، ش. ۳ (فروردین ۱۳۳۵)، ۳۶-۳۵: «تحول در سبک»، تهران اکونومیست، سال دهم، ش. ۴۶۳ (۲۶ خرداد ۱۳۴۱)، ۲۶: ع. هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ایران آباد، ش. ۴ (تیر ۱۳۳۹)، ۲۷-۳۰: حسن صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، اطلاعات، ش. ۱۰۵۷۱ (۱۵ مرداد ۱۳۴۰)، ۷: فریدون مهدوی، «مشکل مسکن»، در سخنرانی‌ها و گزارش‌ها در نخستین همایش بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران، (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۳)، ۳۱۹.

ت ۲. هتل شاه‌عباس اصفهان، مأخذ: سامانه منابع دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ش. ۴۲۹۷۴۱.

۱۶. در اردیبهشت ۱۳۴۱ پیش از انتشار نخستین مقاله و کتاب آل احمد با موضوع «غربزدگی»، در همایش «مسائل اجتماعی شهر تهران»، به معماری ایران اطلاق «غربزدگی» شد (به طور نمونه نک: مهدوی، همان، ۳۱۹). مجله کتاب هفته نیز در سال ۱۳۴۱ سخنرانی هوشنگ سیحون در همایش را با عنوان «غربزدگی در معماری» منتشر کرد. آل احمد در مهر همان سال، «معماری بی اصل و نسب» رایج در کشور را مصادق «غربزدگی» بیان کرد (آل احمد، «غربزدگی» (بی جا: بی نا، ۱۳۴۱)، ۷۱) و طی سال های بعد، مهم ترین مظهر آن خواند (آل احمد، «طرح مسجدی برای رفسنجان»، در کارنامه سه ساله، ۲۷-۳۲ (تهران: رواق، ۱۳۵۷)، ۳۱).

17. M. Boroujerdi, *Iranian Intellectuals and the West: The Tormented Triumph of Nativism* (New York: Syracuse University press, 1996), 28-31, 52-53; A. MatinAsgari, *Both Eastern and Western: An Intellectual History of Iranian Modernity* (Cambridge: Cambridge University Press, 2018), 165, 166;

نگین نبوی، روشنفکران و دولت در ایران: سیاست، گفتار، و تنگنای اصالت، ترجمه حسن فشارکی (تهران: شیرازه، ۱۳۹۷)، ۳۳، ۳۴، ۵۳ - ۵۷.

و یوسف شریعت زاده بر سر ارزش معمارانه مسجد اعظم قم بود.^{۸۰} در نظر آرشیستکته ها، پاسخ گویی به مدعیات مطرح در مجله از این حیث ضرورت داشت که مخاطبان آن در زمره «افراد نسبتاً متفکر اجتماع» به شمار می رفتند.^{۸۱} یادداشت صدر حاج سیدجوادی در روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۴۰ واکنش مجله معماری نوین، تنها مجله تخصصی و مستقل معماری در آن زمان را در پی داشت.^{۸۲} همایش «مسائل اجتماعی تهران» در اردیبهشت سال ۱۳۴۱ نیز مجالی را برای رویارویی گروهی از آرشیستکته ها و روشنفکران منتقد معماری فراهم کرد.^{۸۳} برگزارکنندگان همایش بعداً مدعی تأثیر آن بر توجه به «معماری ملی» شدند.^{۸۴}

تشخیص بحران در وضعیت معماری زمانه مختص روشنفکران نبود؛ جامعه معماری نیز دست کم از یک دهه پیش، درباره «انحطاط» و «هرج و مرج» در معماری کشور و وضعیت «مغشوش» و «بی قاعده» ی آن هشدار داده بود.^{۸۵} تأمل دقیق تر در منابع نشان می دهد که صورت بندی بحران نزد آرشیستکته ها مبتنی بر فهمی غایت مند از تاریخ و سیری خطی و پیش رونده در آن بود.^{۸۶} در این نگاه، تفاوت جوامع گوناگون ناشی از قراردگیری آنها در مراحل مختلف تاریخ بشر شمرده می شد. آرشیستکته های ایرانی خود را نه در جغرافیای متفاوت با غرب، بلکه در زمانه مشترک با آن، یعنی «قرن اتم و تسخیر فضا»^{۸۷} یافته بودند و «پیشرفت سریع علم» و «اکتشافات و ترقیات علمی و ماشینی» را نه متعلق به دیگری، بلکه «روح» زمان خود می پنداشتند.^{۸۸} آنچه در غرب محقق شده بود نویدبخش آینده «ملت عقب مانده» ی ایران بود که امید می رفت روزی به «کاروان تمدن جهان» ملحق شود.^{۸۹} حرکت برای جبران این عقب ماندگی از طریق «توسعه روزافزون کارهای عمران و آبادانی» از چند دهه پیش آغاز شده بود، اما عدم مشارکت جدی معماری در آن مایه ناامیدی بود.^{۹۰} بنابراین بحران معماری در

نظر ایشان نه تقلید از معماری غرب، بلکه متفاوت با آن و به تعبیری عقب ماندن از آن بود.^{۹۱} در این دیدگاه، خروج از بحران مستلزم تأسی به غرب و دگرگونی معماری ایران بود؛ چراکه «در معماری و هر علم و هنر دیگری»، بیش از عوامل چون مقتضیات جغرافیایی و میراث معماری گذشته، «عامل زمان» تعیین کننده بود.^{۹۲} «خواهی نخواهی» معماری ایران نیز «تحت نفوذ روحیه دنیایی زمان خود» و «در کوران تحولی» قرار داشت که «از غرب شروع شده» بود «و ما ناگزیر بایستی از این دگرگونی پیروی» می کردیم.^{۹۳}

در نظر آرشیستکته ها، «پیشرفت» معماری ایران مستلزم تحول توأمان در ساخت و صورت معماری بود. آنچه بیش از همه در پیدایش معماری مدرن تأثیرگذار می نمود تحول در «اجرا و تکنیک» بود.^{۹۴} ایمان به پیشرفت تاریخ به تدریج با ایده تکامل طبیعت گره خورده، از سپهر عقلانی به زمین آمده، و در پیشرفت فنی و سلطه انسان بر طبیعت خلاصه شده بود؛ ایده ای که در جنبش معماری مدرن نیز غلبه داشت.^{۹۵} معماران تحصیل کرده ایرانی آرزومند استفاده از «مصالح نوین» همچون آهن و بتن مسلح و پیش فشرده، و شیوه های جدید ساخت و ساز همچون پیش ساختگی و کاربرد ماشین بودند.^{۹۶} این گروه اذعان داشتند که روش جدید برای تسریع بازسازی ویرانی های ناشی از جنگ جهانی به معماری اروپا راه یافته است، اما به رغم شرایط متفاوت ایران، وفور نیروی کار ارزان در آن، و نیاز به واردات مصالح جدید،^{۹۷} شیفته «سرعت یعنی بزرگ ترین عامل ترقی و تکامل بشر» و «ماشینیسیم» بودند.^{۹۸} از سوی دیگر، پیشرفت معماری صرفاً از طریق تحول در شیوه اجرا حاصل نمی شد. شیوه جدید ساخت و ساز «زبان ساختمانی جدیدی»^{۹۹} به شمار می رفت که، برخلاف نظر روشنفکران، نمی توانست در خدمت تکامل ابنیه قدیمی درآید، بلکه معماری جدیدی را اقتضا می کرد. «روح تازه و زنده» را نمی شد «در کالبد کهنه

متین عسگری این صف‌آرایی در برابر غرب را در سیاق هژمونی سوسیالیسم در این برهه نشانده است. انتقاد از تقلیدی بودن معماری در این برهه نیز ابتدا در نشریاتی چون *اندیشه و هنر*، *علم و زندگی*، و *ایران آباد* طرح شد که گردانندگان آن از جمله خلیل ملکی، ناصر وثوقی، و محمود عنایت آشکارا چنین گرایشی داشتند.

۱۹. نبوی، *روشنفکران و دولت در ایران*، ۵۵-۵۸. دربارهٔ کوشش‌های مشابه در زمینهٔ «موسیقی ایرانی» و نگاه رمانتیک به گذشته در ادبیات پس از کودتا نک: همان، ۶۰؛ حسن میرعابدینی، *صد سال داستان‌نویسی ایران*، ج ۱ (تهران: چشمه، ۱۳۸۰)، ۳۲۹-۳۲۸، ۳۹۸-۴۰۱.

۲۰. حامی، «معماری»، در *سخنرانی‌ها و گزارش‌ها در نخستین همایش بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۳)، ۳۱۶؛ محمدعلی اسلامی ندوشن، «تهران»، در *ایران را از یاد نبریم* (تهران: کتابخانه ایرانمهر، ۱۳۴۵)، ۱۸۷.

۲۱. اسلامی ندوشن، همان.

ناامید از اصلاح آرشیستک‌ها، از ایشان سلب صلاحیت می‌کرد و سودای تجدید سازوکارهای کهن معماری را داشت، آل‌احمد بود. در نظر او، استادکاران معماری «متخصص فن معماری ایران» و آثار ایشان «آبروی معماری قرن اخیر» به‌شمار می‌رفت که یک‌تنه «همهٔ خراب‌کاری‌ها»ی آرشیستک‌ها را جبران می‌کرد.^{۱۱۰} باوجوداینکه اکثر روشنفکران روش و بالتبع سازوکار جدید معماری را می‌پذیرفتند و در پی جانشینی آن با سازوکارهای کهن معماری نبودند، پایگاه حرفه‌ای آرشیستک‌ها چنان متزلزل بود که همین انتقادات غیربنیادین نیز در نظر ایشان تهدیدآمیز می‌نمود.

آرشیستک‌ها برای رفع این تهدید، ناگزیر از مقاومت در برابر گفتمانی بودند که معماری جدید را طرد و به معماری گذشته مشروعیت می‌بخشید. این گروه تحصیل‌کرده و خود روشنفکرپندار، امکان انکار «انحطاط تقلید از غرب» را، که در میان روشنفکران بدیهی بود، نداشتند و آن را تصدیق می‌کردند.^{۱۱۱} مقاومت جامعهٔ معماری عمدتاً حول رفع اتهام از معماران تحصیل‌کرده، و نه معماری، صورت‌بندی می‌شد. آرشیستک‌ها در تبیین این انحطاط، اندک نقشی برای خود قائل بودند و آن را نیز توجیه‌پذیر می‌دانستند. آرشیستک ایرانی خود را «در آستانهٔ دگرگونی بزرگ بشریت» یافته و «ناچار تن به تغییرات اساسی در معماری متداول کشور خود داده بود» اما به‌دلیل «شتاب‌زدگی» و نبود «وقت کافی» خطاهایی نیز به کارش راه یافته بود.^{۱۱۲} آرشیستک‌ها به تبرئهٔ خود اکتفا نمی‌کردند، بلکه این تهدید را به فرصتی برای تثبیت پایگاه حرفه‌ای و اجتماعی خود و طرد رقیب بدل کردند. «تقلید کورکورانه» از ساختمان‌های اروپایی نتیجهٔ تسلط «افراد کم‌اطلاع یا بی‌اطلاع و سهل‌انگار و بی‌توجه» بر عرصهٔ ساخت‌وساز شمرده می‌شد و «نمونهٔ بارز بی‌مایگی و بی‌ذوقی» و «نداشتن پایهٔ فکری و شارلاتان بودن» این «سازندگان»

و مرده» گنجانده^{۱۱۳} و تکرار صورت بناهای گذشته همچون پوشیدن لباس پیشینیان و راندن عرابه‌های ایشان مضحک می‌نمود.^{۱۱۴} بنابراین رسالت آرشیستک برای تحقق «معماری نوین در ایران» مستلزم تحول توأمان در «فکر و طرح» و «دست‌های سازنده و اجراکنندهٔ آن» بود.^{۱۱۵}

ترویج معماری جدید برای معماران تحصیل‌کرده وجهی حیثیتی نیز داشت. فعالیت معماری در ایران طی قرن‌ها در اختیار استادکاران معماری یا «معمارباشی‌ها»^{۱۱۶} بود که با شیوه‌های کهن معماری را آموخته بودند و کار می‌کردند. معماران فارغ‌التحصیل مدارس جدید در این عرصه تازه‌وارد و در رقابت با حریفی کهنه‌کار بودند. این متخصصان نوپا از یک دهه پیش، برای یافتن جایگاهی در حرفه و جامعه و طرد رقیب تلاش کرده بودند و برای دستیابی به هویتی متمایز، حتی از اختیار عنوان «معمار» که به‌واسطهٔ اطلاق به استادکاران قدیم به «بتذل» کشیده شده بود، امتناع می‌کردند و خود را «آرشیستک» می‌نامیدند.^{۱۱۷} آشنایی با تکنیک جدید و استفاده از آن برای تحقق صورت‌های جدید معماری در انحصار آرشیستک بود و در میدان رقابت حرفه‌ای، جایگاهی ممتاز به او می‌بخشید.^{۱۱۸} بنابراین روی‌گردانی از معماری جدید که در غرب محقق شده بود و بازگشت به معماری قدیم ایران تهدیدی علیه پایگاه متزلزل آرشیستک شمرده می‌شد.

روشنفکران برای ایجاد هویت در معماری تمهیدات گوناگونی را به کار می‌بستند. معدودی در پی ارتقای حس زیبایی‌شناسی جامعه از طریق آموزش عمومی بودند.^{۱۱۹} برخی مداخله و نظارت دولت برای سامان دادن به وضعیت معماری را لازم می‌دانستند^{۱۲۰} که از نظر آرشیستک به محدود کردن خلاقیت هنری و ایجاد سبک‌های «فرمایشی» منجر می‌شد.^{۱۲۱} اما آنچه همگی بر آن هم‌نظر بودند، تذکر به آرشیستک‌ها و هدایت ایشان در مسیر درست بود.^{۱۲۲} از معدود کسانی که

۲۲. «تحول در سبک»، ۲۶: آل احمد، سفر فرنگ (تهران: کتاب سیامک، ۱۳۷۶)، ۱۹؛ صدر حاج سیدجواد، «انتقاد: شیوة معماری»، ۷: محمدکریم پیرنیا، «مسکن در ایران قدیم»، بانک ساختمانی، دوره اول، ش. ۲ (مهر ۱۳۳۴): ۶. پیرنیا به رغم تحصیلی نیمه تمام در رشته معماری، خود را در زمرة «معماران» و «مهندسان» نمی شمرد و در نوشته هایش ایشان را خطاب قرار می داد.

23. F. Bostock and G. Jones, *Planning and Power in Iran (Ebtetahj and Economic Development under the Shah)* (London: Frank Cass, 1989), 31, 32; Habibi, "Modern Middle-Class Housing in Tehran", *Iran Studies*, vol. 21, (Leiden Boston: Brill, 2021).

۲۴. «شما اسم این را چه می گذارید؟»، بانک ساختمانی، دوره اول، ش. ۴ (مهر ۱۳۳۵): ۱۵.

۲۵. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹)، ۵۳۳.

۲۶. آل احمد، «[بدون عنوان]»، علم و زندگی، ش. ۷ (فروردین ۱۳۳۹): ۸۲؛ آل احمد، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»، علم و زندگی، کتاب سوم (فروردین ۱۳۳۸): ۶۱.

بود که حتی از اطلاق عنوان «معمار» به آنها امتناع می شد.^{۱۱۳} افزون بر موقعیت حرفه ای، آرشیستکرها در پی کسب اقتداری نظیر پزشک در جامعه بودند که مانع از «دخالت های ناروای» کارفرمایان در کار ایشان شود.^{۱۱۴} در تبیین بحران نزد آرشیستکرها، این «مردم عادی» بودند که «گرفتار نفوذ مغرب زمین» شده بودند و در مقام «مشتری» خواسته های خود را، که تکرار نمونه هایی از «مجلات فرنگی» بود، بر آرشیستک «تحمیل می کردند».^{۱۱۵} در این میان، تنها تقصیر مهندسان کوتاهی در «هدایت» مردم و عدم تذکر «خطای صاحب کار» و البته گاه منفعت طلبی در تن دادن به خواست کارفرما بود.^{۱۱۶} آرشیستکرها یارای مخالفت آشکار با خواست هویت ایرانی در معماری را نیز، که از جانب روشنفکران طرح می شد، نداشتند؛ چراکه می توانست منجر به طرد ایشان از جامعه روشنفکری شود. احتمالاً به همین مناسبت در مباحثاتی که درمی گرفت، از ذکر نام خود احتراز می کردند.^{۱۱۷} اما مقتضیات حرفه ای ایشان اقتضا می کرد در برابر خواست فزاینده «احیای معماری گذشته» ایستادگی کنند که از طریق واسازی دو جزء تشکیل دهنده آن یعنی «احیا» و «معماری گذشته» ممکن می شد. در گام نخست، «احیا» به «تقلید» تنزل یافت؛ آرشیستکرها و روشنفکران در نكوهش «تقلید» هم نظر بودند، ولی بر سر تعریف و تشخیص آن نزاعی در جریان بود و طرفین در پی نسبت دادن آن به دیگری بودند، نزاع بر سر مرجع تقلید بود. «تقلید» در نظر روشنفکران تکرار معماری اروپا و امریکا بود، اما آرشیستکرها تکرار ویژگی های ظاهری بناهای گذشته را، که به آن توصیه می شدند، از قبیل «تقلید» می شمردند. اگر «تقلید» را به معنی «از روی کار دیگری کاری کردن، بدون دریافت حقیقت آن» بگیریم،^{۱۱۸} «دیگری» را روشنفکران غرب و آرشیستکها اسلاف خود می پنداشتند. در نظر آرشیستک، هم زمانی با معماری جدید غرب تعیین کننده تر از هم مکانی با

معماری گذشته می نمود و دعوت به تکرار معماری گذشته در تضاد با روح زمانه و همچون استفاده از «خشت خام» در «قرن اتم و تسخیر فضا» نابهنگام بود.^{۱۱۹} با این مقدمات می شد ادعا کرد که «تقلید کورکورانه از معماری باستانی» همچون «تقلید کورکورانه از غرب» باطل است و مدعیان آن حتی بیش از مقلدان فرنگ «از مرحله پرت» هستند.^{۱۲۰} صورت بندی روشنفکران از احیای معماری گذشته و تأکید بر ویژگی های بصری ابنیه، به ویژه تزئینات نیز، که گاه «تجمل پرستی»^{۱۲۱} قلمداد می شد، مجال مناسبی برای تقلیل «احیا» به «تقلید» فراهم می کرد. «اشخاص ناوارد و عامی ولی دانشمندنا [...] معماری ایران را در کادر قوس های شکسته، کاشی کاری، و درهای ارسی»^{۱۲۲} می دیدند و از «متخصصان معماری» انتظار داشتند «عیناً برابر و مانند آنچه در گذشته عمل می شد بسازند و یادبود قرون گذشته را دوباره زنده سازند».^{۱۲۳}

بنابراین، آرشیستکها «تقلید» را که روشنفکران برای رویارویی با معماری غرب به کار گرفته بودند به راهی برای گریز از تکرار معماری گذشته بدل کردند که مانع تحقق معماری مدرن در کشور بود؛ چراکه «آکروباسی بی معنی»^{۱۲۴} احیای معماری گذشته برابر با نالارزش هایی از قبیل «تعصب»^{۱۲۵} و «بت پرستی»^{۱۲۶} و مخالفتی صریح با «معماری نوین و مدرن» شمرده می شد.^{۱۲۷} به همین مناسبت، هوشنگ سیحون — که شروع این جریان معماری بیش از همه به او منتسب شده است — در همایش «مسائل اجتماعی شهر تهران» در برابر «منتقدین عالم نما» ایستاد و «با صدای رسا و محکم» اعلام کرد:

هنر معماری با فن باستان شناسی به کلی جد است و وظیفه معمار این نیست که عوامل باستانی را امروز دوباره سازی نماید و به این ترتیب هنری را، که با وسایل و مصالح و تکنیک زمان خود عرضه می شد، دوباره کورکورانه بدون در نظر گرفتن تحول علمی و صنعتی و مخصوصاً دگرگونی زندگی و شیوة فکر امروز

۲۷. «متخصص ساختمان‌های دولتی»، تهران/کونومیسیت، سال دهم، ش. ۴۵۱ (۲۶ اسفند ۱۳۴۰): ۲۶. با پیگیری پرونده قضایی سوءاستفاده مالی در ساخت مجلس سنا، در این زمان نیز، این دو تن آماج انتقاد و پیگرد قانونی قرار گرفتند («خبرهای تازه از افتضاح کاخ سنا»، خواندنی‌ها، ش. ۶۰ (۲۸ فروردین ۱۳۴۱): ۴، ۵؛ «باز هم جزئیات و اسراری از ساختمان سنا»، خواندنی‌ها، ش. ۶۳ (۸ اردیبهشت ۱۳۴۱): ۴-۶.

۲۸. آل احمد، «چند کلمه با مشاطه‌ها»، اندیشه و هنر، دوره سوم، ش. ۲ (آبان ۱۳۳۷): ۹۵؛ آل احمد، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»، ۶۱ درباره برنامه اصل چهار و نقش آن در تبدیل ایران به بازار مصرف تولیدات ایالات متحده نک:

Karimi, Domesticity and Consumer Culture in Iran: Interior Revolutions of the Modern Era (London: Routledge, 2013), 89 - 112.

درباره گسترش ساختار تشکیلاتی و برنامه اصل چهار پس از کودتا و مخالفت منتقدان داخلی با آن نک: ویدا همراز، بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن (تهران: وزارت امور خارجه: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۱)، ۸۰، ۷۹.

W.E. Warne, Mission for Peace: Point 4 in Iran (Indianapolis: Bobbs-Merrill, 1956), 273, 274, 307-314.

زندگی ما حاکم است. سرعت، یعنی بزرگ‌ترین عامل ترقی و تکامل بشر، به‌صورت عجیبی در حال پیشرفت می‌باشد [...] در نتیجه تماس‌های دائم ملت‌ها، یک نوع طرز زندگی و طرز فکر بین‌المللی پیش آمده است. ملت‌ها همه احتیاجات واحد دارند و پایه زندگی خود را براساس یک هدف استوار می‌کنند.^{۱۳۴}

بنابراین تحقق «معماری ملی» به معنی معماری متناسب با زمانه در لحظه اکنون مستلزم کسب وجهه‌ای بین‌المللی بود. «طوفان تحول علمی که دنیا و بشریت را فرا گرفته» تحولاتی در عرصه معماری ایجاد کرده بود که در نتیجه آن،

معمار امروز ایرانی مانند معمار صد سال پیش، نمی‌تواند عملیات گذشتگان خود را مرتباً تکرار کند، چه از نظر معماری و چه از نظر تکنیک و اجرا؛ زیرا امروز همه‌چیز دگرگون شده است، چه زندگی بشر که اساس معماری است و چه شیوه کار که وسیله بیان معماری است.^{۱۳۵}

آرشیست‌ها با این حربه «احیای معماری گذشته» را به حاشیه راندند، اما نمی‌توانستند از خواست داشتن هویت در معماری، که به مثابه «مسئولیت ملی» به ایشان محول شده بود،^{۱۳۶} شانه خالی کنند یا منکر ارزش معماری گذشته ایران شوند. به همین دلیل، به تدریج مطالعه آثار معماری گذشته و بازخوانی ارزش‌های آن را، که فراتر از صورت معماری بود، به انحصار خود درآوردند.^{۱۳۷} از سوی دیگر، به تدریج صورت‌بندی جدیدی از هویت در معماری به دست دادند که به جای «احیای معماری گذشته ایران»، به «ابداع معماری ایرانی و مدرن»^{۱۳۸} منتهی می‌شد. اگر در نظر برخی روشنفکران مسجد اعظم قم نمود «معماری ایرانی» بود (ت ۳)، آرشیست‌ها با بسط «معماری ایرانی و مدرن» مطلوب خود، طی مدتی کوتاه توانستند ادعا کنند که ساختمان مدرن شرکت ملی نفت ایران — از معدود «آسمان‌خراش»های ایران در آستانه دهه ۱۳۴۰^{۱۳۹} — از هر معماری دیگری «ایرانی‌تر» است.^{۱۴۰} (ت ۴). طی سال‌های

تقلید کند و به این وسیله ایرانی را به دنیا نشان دهد.^{۱۳۸}

وجهی دیگر از کوشش آرشیست‌ها واسازی «معماری گذشته» بود؛ چنان که امکان تداوم آن در لحظه اکنون را منتفی کند. نگاهی دقیق‌تر به اظهارات آرشیست‌ها درباره تاریخ معماری نشان می‌دهد که در نظر ایشان، معماری گذشته ایران امری واحد نبود و سیری پیوسته نداشت؛ بلکه خود مشتمل بر ادواری بود و در هر دوره «با روحیه و وضع زندگی و طرز فکر زمان خود تطبیق داشت».^{۱۳۹} آثار معماری هر دوره «نمودار اوضاع و احوال و زندگی و روح آن زمان» یا به تعبیر دیگر، «آیین افکار و سلیقه مردم، مخصوصاً رهبران و رجال آن دوره» به شمار می‌رفت که لزوماً شباهتی با ادوار پیش از آن نداشت.^{۱۴۰} به این ترتیب، با ایجاد گسست‌هایی در سیر تاریخی معماری ایران، امر «ملی» به مثابه وجهی مشترک در همه طول تاریخ به حاشیه می‌رفت و وجوه اشتراک افراد ملت در هر دوره جانشین آن می‌شد.^{۱۴۱} این تدبیر امکان بازتعریف «معماری ملی» به مثابه معماری متناسب با زمانه را میسر می‌کرد. از سوی دیگر، سیر تاریخی معماری ایران رو به تکامل و پیشرفت بود. آرشیست‌ها تکامل در تاریخ را چون تکامل در طبیعت بدیهی می‌دانستند؛^{۱۴۲} چنان که در طی تاریخ به‌ویژه «با پیشرفت تکنیک» طاق و گنبد، معماری ایران «از لحاظ سبکی و زیبایی فرم به تدریج پیشرفت» کرده بود.^{۱۴۳} اصالت دوره‌بندی و تأکید بر گسست‌ها در تاریخ معماری ایران در کنار سیر پیش‌رونده آن، امکان تصور لحظه گسست اکنون و پیشرفت آتی را فراهم می‌کرد. معماری گذشته در هر دوره متناسب با زمانه و در حال پیشرفت بود.

امروز ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که ماشین و علم به‌صورت عجیبی دنیا و زندگی مردم دنیا را تحت‌الشعاع قرار داده است. شهرها به هم نزدیک شده و وسایل ارتباط روزبه‌روز تکمیل می‌گردند. وسایل زندگی و رفاه مردم روزبه‌روز زیادتر می‌شود. در ساختمان، دست کمتر دخالت می‌کند. ماشین بر کلیه شئون

۲۹. آل احمد، «چند کلمه با مشاطه‌ها»، ۹۲. در روایت رسمی، رضا شاه دروازه‌های تهران را «از نظر علاقه‌ای که به عمران و آبادی و نو کردن ایران داشت خراب کرد» (پهلوی، مأموریت برای وطنم، ۸۲). آل احمد با این کنایه که گویی دروازه‌ها «مانع ورود تمدن» بودند، این اقدام را سرآغاز «از ریخت افتادن» تهران می‌داندست. همچنین محتمل است اشاره او به تخریب طاق بازار با واقعه سرکوب اعتراضات بازار تهران در پاییز سال ۱۳۳۲ مرتبط باشد که طی آن بخشی از طاق تخریب شد (غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱ (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱)، ۱۱۱-۱۱۲).

۳۰. هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۲۹، ۳۰؛ پیرنیا، «مسکن در ایران قدیم»، ۶؛ اسلامی ندوشن، «تهران»، ۱۹۰، ۱۹۱. ۳۱. همان، ۱۹۲.

ت ۳ (راست). مسجد اعظم قم (حسین لرزاده، احیاء هنرهای از یاد رفته (بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۸)، ۹۴.

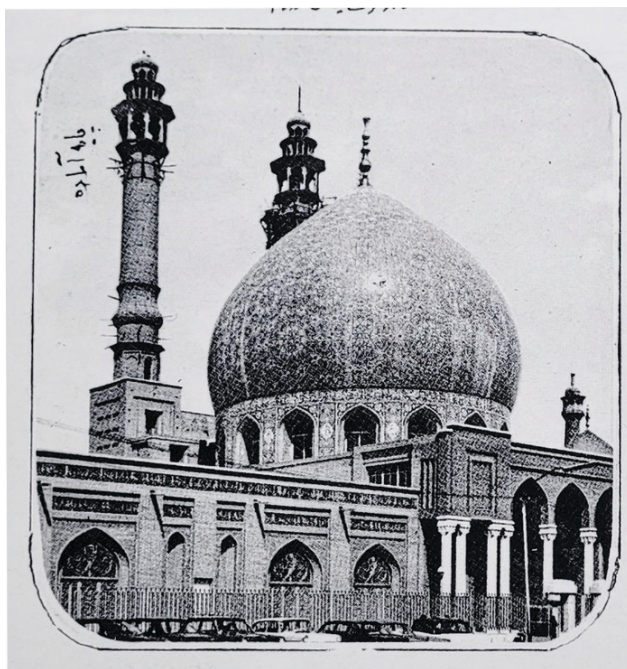
ت ۴ (چپ). ساختمان شرکت ملی نفت ایران، سامانه منابع دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ش. ۲۳۸۶۳۳۶.

بعد، اقبال حکومت به هویت ایرانی در معماری به تداوم و هژمون شدن گفتمان معماری ایرانی منجر شد و آرشیکت‌ها را به بازنگری در برخی آراء پیشین خود، که برای مقابله با روشنفکران آماده شده بود، ترغیب کرد. شناسایی صورت‌بندی معماران و حکومت از معماری ایرانی و سیر تطور آن طی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خود بحثی مفصل و مستلزم مجالی دیگر است.

نتیجه‌گیری

سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی مقارن با هژمونی گفتمان‌های هویتی در معماری ما بود که در مقاله حاضر با تعقیب خاستگاه آن تا میانه دهه ۱۳۳۰، تعارضات ابتدایی در صورت‌بندی و نقش روشنفکران در شکل‌گیری آن آشکار شد. چنان‌که دیدیم، منازعه بر سر قدرت سیاسی در برهه پس از کودتای سال ۱۳۳۲، به شکل‌گیری گفتمان‌های هویتی در میان روشنفکران

منجر شد که معماری نیز درون آن صورت‌بندی می‌شد. در این زمان روشنفکران با بیانی مبهم، تقلید از معماری غرب به‌مثابه «دیگری» را نفی می‌کردند و آرشیکت‌ها را به احیای معماری گذشته فرامی‌خواندند. برکشیدن هویت به‌مثابه امری ضروری در معماری تهدیدی علیه پایگاه حرفه‌ای آرشیکت‌ها به‌شمار می‌رفت و به نزاع قدرتی از جانب ایشان بدل شد که با نفی تقلید از معماری گذشته ایران همچون «دیگری» بازنمایی می‌شد. به‌همین منظور، آرشیکت‌ها کوشیدند با واسازی مفهوم «هویت» در معماری، امکان صورت‌بندی مجدد آن را فراهم کنند و به‌این ترتیب، هم از دایره روشنفکری طرد نشوند و هم جایگاه خود را در فرایند مدرنیزاسیون شتابان کشور تثبیت کنند. پس از برهه زمانی موضوع مقاله حاضر، در پی انقلاب سفید و تثبیت قدرت سیاسی حکومت و گسترش مداخله آن در حوزه معماری، گفتمان‌های هویتی با مشارکت حکومت و جامعه معماری



مغفول مانده است، نزاع قدرت در لحظه شکل‌گیری و تعارض در تعریف آن روشن شد. توجه به مطالب یادشده، امکان بازنگری اساسی در صورت‌بندی این گفتمان و روند هژمون شدن آن در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و حتی سال‌های پس از انقلاب اسلامی را در پژوهش‌های آتی فراهم می‌کند.

References

- A.B.A. "The Exhibition of Painting Works by Jazeh Tabatabai". *Memari Novin*, no. 1 (October and November 1961). (In Persian)
- _____. "The Third Tehran Biennial". *Memari Novin*, no. 4 (1961). (In Persian)
- Afshar Naderi, K. "The Presence of the Past in the Experience of Contemporary Architects". *Abadi*, vol. 6, no. 23 (February 1977): 37-47. (In Persian)
- Al-Ahmad, J. "[untitled]". *Elm va Zendegi*, no. 7 (April 1960). (In Persian)
- _____. "A Few Words with the Beautifiers". *Andishe va Honar*, vol. 3, no. 2 (November 1958). (In Persian)
- _____. "Architectural Design for a Mosque in Rafsanjan". In *Three-Year Record*, Tehran: Revagh, 1978. (In Persian)
- _____. "The New Mosque of Qom: A Testament to Recent Century Architecture". *Elm va Zendegi*, no. 3 (April 1959). (In Persian)
- _____. *A Journey to 'Farang'*. Tehran: Ketab Siamak, 1997. (In Persian)
- _____. *Contemporary Iranian Literature and Art: A Collection of Essays, 1945-1969*, edited by Mostafa Zamaninya, vol. 3, Tehran: Mitra & Hamkelasi, 1994. (In Persian)
- _____. *Westoxification*, n.p: n.p, 1977. (In Persian)
- _____. "Westoxification". n.p: n.p, 1962. (In Persian)
- Amirani, AA. "The Shah Abbas Guesthouse". *Khandaniha*, vol. 22, no. 90 (July 31 1962). (In Persian)
- Asgari, MR. "The Beauty of the Land of One Thousand and One Nights". *Bamshad*, no. 1368 (May 1963). (In Persian)
- Ashouri, D. *Us and Modernity*. Tehran: Serat, 1998. (In Persian)
- "A Visit by an Architecture Expert to Iran". *Etela'at*, n. 10544 (July 3, 1961). (In Persian)
- Bani-Masoud, A. *Contemporary Architecture in Iran: From 1925 to the Present*. Mashhad: Ketabkade Kasra, 1399. (In Persian)

هژمونی یافت. پیش از این تغییرات، تکاپوی اولیه آرشیستک‌ها در نزاع با روشنفکران زمینه را برای ترویج صورت‌بندی جدیدی از معماری مدرن فراهم کرده بود که واجد هویت ایرانی و هم‌زمان منطبق بر آموزه‌های معماری مدرن معرفی می‌شد. در این مقاله با روشن کردن نخستین بارقه‌های پیدایش این گفتمان که تا کنون

_____. *Iranian Contemporary Architecture*. Tehran: Honar Memari Qarn, 2009. (In Persian)

Boroujerdi, Mehrzad, *Iranian Intellectuals and the West: The Tormented Triumph of Nativism*, New York: Syracuse University press, 1996.

Bostock, Frances and Geoffrey Jones. *Planning and Power in Iran (Ebtehaj and Economic Development under the Shah)*. London: Frank Cass, 1989.

Carr, Edward Hallett. *What is History*, New York: Alfred A. Knopf, 1969.

Châtelet, François, "Intellectual et Société". in *Plaidoyer pour les Intellectuels*, Transl. Reza SeyyedHosainy. Tehran: Niloufar, 2001. (In Persian)

Daneshvar, S. "Journey's Outcome", *Naqsh va Negar*, no. 4 (1958). (In Persian)

Eslami Nadoushan, MA. "Tehran", in *We Must Not Forget Iran*, Tehran: Ketabkhane Iranmehr, 1966. (In Persian)

"Expert in Government Buildings", *Tehran Economist*, no. 451, March 17, 1962. (In Persian)

Forouqi, M. "Architectural Developments in Iran". *Golbang*, no. 3 (1961). (In Persian)

Garnham, Trevor. *Architecture Re-assembled: The Use (and Abuse) of History*. New York: Routledge, 2013.

Grigor, Talinn, *Building Iran: Modernism, Architecture, and National Heritage under the Pahlavi Monarchs*. New York: Periscope Publishing Ltd, 2009.

Grincer, Daniel, *Architecture as Cultural and Political Discourse*, London & New York: Routledge, 2016.

Habibi, Rana. "Modern Middle-Class Housing in Tehran: Reproduction of an Archetype: Episodes of Urbanism 1945-1979". *Iran Studies*, vol. 21, Leiden Boston: Brill, 2021.

Habibi, SM. *A Study of Architectural and Urban Planning Intellectual Trends in Contemporary Iran*. Tehran: Daftar Pajuheshhaye Farhangi, 2006. (In Persian)

۳۲. [شمس‌الدین] جزایری، «نکته‌ها و یادآوری‌هایی چند»، در سخنرانی‌ها و گزارش‌ها در نخستین همایش بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۳)، ۸۳، ۸۴؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷؛ مصطفوی، «معماری ایران بعد از دوران زندگی»، بانک ساختمانی، دوره دوم، ش. ۲ (تیر ۱۳۴۰)، ۴۴، ۴۵؛ حامی، «معماری»، ۳۱۶.

* توضیح: در منبع اصلی، نام سخنران «دکتر جزایری» ذکر شده است، اما با توجه به ارجاع خود او به مسئولیتش در استاندارد خراسان، می‌توان تشخیص داد که سخنران دکتر شمس‌الدین جزایری، استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران، بوده است که در سال‌های پس از کودتا، مدتی استاندار خراسان بوده.

۳۳. همان؛ معین‌فر، «مد یا هنر؟...»، ۴۵؛ اسلامی ندوشن، «تهران»، ۱۸۷.

۳۴. آل احمد، سفر فرنگ، ۱۹؛ هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۳۰؛ جزایری، «نکته‌ها و یادآوری‌هایی چند»، ۸۳، ۸۴.



Hajyasini, H. *Rethinking the Historiography of Iranian Architecture*, Phd Thesis in Architecture, Tehran: Tehran University of Art, 2021. (In Persian)

Hakemi, N. "An Analysis of Gilan's Architecture". *Memari Novin*, no. 5 (July & August 1962). (In Persian)

Hami, "Architecture". *Lectures and Reports of the First Seminar on the Social Problems of the City of Tehran*, Tehran: Institute for Social Studies and Research, 1964. (In Persian)

Hamraz, V. *An Analysis of the Objectives and Performance of Truman's Point Four Program (The U.S. Economic Operations Mission in Iran)*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs: Center for Documents and Diplomatic History, 2002. (In Persian)

Hashemi Ha'eri, A. "Housing Construction". *Iran Abad*, no. 4 (June 1960). (In Persian)

Hovanessian, V. "Architectural Issues in Iran". *Architect*, no. 3 (February & March 1947). (In Persian)

_____. "Issues Related to the Architecture of Iran". Transl. Iraj Qafari, *Architect*, no. 1 (July & August 1946). (In Persian)

_____. "Our Purpose". *Memari Novin*, no. 1 (November & August 1961). (In Persian)

_____. "RezaShah the Great: A Symbol of Development". *Memari Novin*, no. 1 (October & November 1961). (In Persian)

_____. "RezaShah the Great: A Symbol of Development". *Memari Novin*, no. 4 (1962). (In Persian)

Jazayeri [Shamsoddin]. "Some Notes and Reminders". *Lectures and Reports of the First Seminar on the Social Problems of the City of Tehran*, Tehran: Institute for Social Studies and Research, 1964. (In Persian)

Karimi, Pamela. *Domesticity and Consumer Culture in Iran: Interior Revolutions of the Modern Era*, London: Routledge, 2013.

_____. "Old Sites, New Frontiers: Modern and Contemporary Architecture in Iran". In *A Critical History of Contemporary Architecture: 1960-2010*, Elie Haddad, David Rifkind & Peter L. Laurence (eds.). Burlington: Ashgate Publishing Company, 2014.

Khorsand, M. "Association of Certified Iranian Architects". *Architect*, vol. 1, no. 1 (July & August 1946). (In Persian)

"Latest News on the Scandal of the Senate Palace". *Khandaniha*, no. 60 (April 17, 1962). (In Persian)

Lectures and Reports of the First Seminar on the Social Problems of the City of Tehran, Tehran: Institute for Social Studies and Research, 1964. (In Persian)

Lorzadeh, Hossein. *Revival of Forgotten Arts*, n.p: n.p, 1979. (In Persian)

Mahdavi, F. "The Housing Problem". *Lectures and Reports of the First Seminar on the Social Problems of the City of Tehran*, Tehran: Institute for Social Studies and Research, 1964. (In Persian)

MatinAsgari, A. *Both Eastern and Western: An Intellectual History of Iranian Modernity*. Cambridge: Cambridge University Press, 2018.

Mirabedini, H. *One Hundred Years of Iranian Literature*. Tehran: Cheshmeh, 2001. (In Persian)

Mirzaei, Z. *Perception of Architecture in Iran as Reflected in Architectural Journals of the First Phase of the Second Pahlavi Period*, Master's thesis in Iranian Architectural Studies, Tehran: Shahid Beheshti University, 2016. (In Persian)

M.N. "A Discussion on Ancient and Modern Architectural Styles". *Memari Novin*, no. 2 & 3 (February 1961). (In Persian)

Moeenfar, Ali Akbar. "Trend or Art?". *Bank Sakhtemani*, no. 3 (April 1956). (In Persian)

"More Details and Secrets of the Senate Building". *Khandaniha*, no. 63 (April 28, 1962). (In Persian)

Moshiri, I. "Our Purpose". *Architect*, no. 1 (July & August 1946). (In Persian)

Moshref Nafisi, H. "About the Shah Abbas Guesthouse". *Khandaniha*, no. 19 (November 23, 1963). (In Persian)

Mostafavi, MT. "Iranian Architecture after the Zand Dynasty". *Bank Sakhtemani*, no. 2 (June 1961). (In Persian)

Mozaffari, Ali and Nigel Westbrook, *Development, Architecture, and the Formation of Heritage in Late Twentieth-Century Iran: A Vital Past*, Manchester: Manchester University Press, 2020.

Nabavi, N. *Intellectuals and the State in Iran: Politics, Discourse, and the Dilemma of Authenticity*, Transl. Hassan Fesharaki. Tehran: Shirazeh, 2018.

Nejati, QR. *The Political History of Iran's Twenty-Five Years (From the Coup to the Revolution)*, vol. 1. Tehran: Rasa Cultural Services Institute, 1992. (In Persian)

Ostad Faramarzi. "The Shah Abbas the Great Guesthouse". *Tehran Economist*, vol. 10, no. 471 (August 11, 1961). (In Persian)

Pahlavi, MR. *Mission for My Country*. Tehran: Bongah Tarjome va Nashr Ketab, 1970. (In Persian)

Petrosyan, A, "Furniture". *Memari Novin*, no. 4 (1961). (In Persian)

Pirnya, MK. "Housing in Ancient Iran". *Bank Sakhtemani*, vol. 1, no. 2 (October 1955). (In Persian)

Qobadian, V. *Stylistics and Theoretical Foundations in Contemporary Architecture*. Tehran: Elm Memory Royal, 2013. (In Persian)

Rizvi, Kishwar. "Art History and the nation: Arthur Upham Pope and the discourse on 'Persian Art' in the early 20th Century". *Muqarnas*, no. 24 (2007).

Roudbari, Shawhin. "Instituting Architecture: A History of Transnationalism in Iran's Architecture Profession, 1945-1995". In *The Historiography of Persian Architecture*. Routledge, 2015.

۳۵. آرش طیب‌زاده نوری، کنکاش: دانشکده هنرهای زیبا در دوره ریاست آندره گدار، (تهران: میرماه، ۱۴۰۰)، ۱۱۹، ۱۲۰؛

S. Roudbari, "Instituting Architecture: A History of Transnationalism in Iran's Architecture Profession, 1945-1995", In *The Historiography of Persian Architecture* (Routledge, 2015), 180-182.

۳۶. آل احمد، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»، ۶۰

۳۷. آل احمد، «[بدون عنوان]»، ۸۲

۳۸. جزایری، «نکته‌ها و یادآوری‌هایی چند»، ۸۴؛ آل احمد، غرب‌زدگی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۵۶، ۱۰۷؛ آل احمد، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»، ۶۰؛ مصطفوی، «معماری ایران بعد از دوران زندیه»، ۴۴.

۳۹. معین‌فر، «مد یا هنر؟ ...»، ۳۶؛ مهدوی، «مشکل مسکن»، ۳۱۹؛ سیمین دانشور، «ره‌آورد سفر»، نقش و نگار، ش. ۴ (زمستان ۱۳۳۶): ۱.

۴۰. هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۲۷، ۲۸.

۴۱. درباره پیشینه صورت‌بندی این پیوند در دانش غربی نک:

D. Grincer, *Architecture as Cultural and Political Discourse* (London & New York: Routledge, 2016), 23-85.



Sadr HajSeyyedJavadi, H. "Critique: In the Words of the Readers". *Etelat*, no. 10586 (August 24, 1961). (In Persian)

_____. "Critique: Architectural Style". *Etelat*, no. 10571 (August 6, 1961). (In Persian)

Sami'ie, Sirus. "The Transformation of the Architecture of Public Buildings in Tehran". *Abadi*, no. 19 (1995): 78-83. (In Persian)

Saremi, AA. "The Position of Iranian Architecture in the Contemporary World". *Abadi*, no. 27 & 28 (1998-1999): 13-19. (In Persian)

Sepanta, AH. "How Was the Safavid Caravanserai of Isfahan Destroyed?". *Armaqan*, vol. 32, no. 1 (April 1963). (In Persian)

Seyhoun, H. "A Brief Overview of Contemporary Architecture in Iran". *Salname Kanun Mohandesin Iran*, no. 26 & 27 (1963). (In Persian)

_____. "A Meeting with a Young Architect and Artist". *Elm va Zendegi*, no. 2 (May 1953). (In Persian)

_____. "An Interview with Engineer Seyhoun on Iranian Architecture, with an Addendum on the Recent Earthquake". *Arash*, vol. 1, no. 5 (December 1962). (In Persian)

_____. "An Interview with Mr. Engineer Seyhoun". *Bank Sakhtemani*, vol. 2, no. 1 (April 1961). (In Persian)

_____. "Architectural and Structural Developments in Iran". *Golbang*, no. 2 (1960). (In Persian)

_____. "Our Modern Architecture". *Lectures and Reports of the First Seminar on the Social Problems of the City of Tehran*,

Tehran: Institute for Social Studies and Research, 1964. (In Persian)

Shamlou, A., et al. "Intellectuals and Revolution". *Ketab Jom'eh*, no. 5 (August 1979). (In Persian)

Shari'atzadeh, Yousef. "On the Article about the New Mosque of Qom". *Elm va Zendegi*, no. 5 (1959). (In Persian)

Shirazi, M. Reza, *Contemporary Architecture and Urbanism in Iran: Tradition, Modernity, and the Production of 'Space-in-Between'*, Cham: Springer, 2018.

"Skyscrapers of Tehran". *Tehran Economist*, vol. 10, no. 451 (March 17, 1962). (In Persian)

Tabibi, Baharak, *Propagating 'Modernities': Art and architectural patronage of Shahbanou Farah Pahlavi*, PhD Thesis in Architectural History, Ankara, Middle East University, 2014.

Tabibzadeh Nouri, A. *Inquiry: The Faculty of Fine Arts During André Godard's Presidency*. Tehran: Mirmah, 2021. (In Persian)

"Transformation in Style". *Tehran Economist*, no. 463 (June 16, 1962). (In Persian)

Warne, W.E, *Mission for peace: point 4 in Iran*. Indianapolis: Bobbs-Merrill, 1956.

"What do you call this?". *Bank Sakhtemani*, no. 4 (October 1956). (In Persian)

Zavare'ie, M. "Applying Scientific Methods to the Tile Industry". *Naqsh va Negar*, no. 4 (1958). (In Persian)

۴۵. صدر حاج‌سیدجوادی صرفاً به

۴۲. هاله حاج‌یاسینی، *بازاندیشی در تاریخ‌نگاری معماری ایران*، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشگاه هنر، دانشکده معماری و شهرسازی، بهمن ۱۳۹۹، ۵۶-۶۳

K. Rizvi, "Art History and the nation: the discourse on 'Persian Art' in the early 20th century", *Muqarnas*, no. 24 (2007); Grigor, *Building Iran*, 23 - 31.

۴۳. مصطفوی، «معماری ایران بعد از دوران زندیه»، ۴۵؛ هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۳۰.

۴۴. آل‌احمد، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»، ۶۰.

چند، ۸۳، ۸۴.

۵۵. همان؛ پیرنیا، «مسکن در ایران قدیم»، ۶

۵۶. معین‌فر، «مد یا هنر؟ ...»، ۳۶.

۵۷. هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۳۷؛ اسلامی ندوشن، «تهران»، ۱۹۰.

۵۸. معین‌فر، «مد یا هنر؟ ...»، ۳۶؛ پیرنیا، «مسکن در ایران قدیم»، ۷؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷؛ آل‌احمد، *غریب‌زدگی*، ۱۰۷.

۵۹. همان، ۷۶.

۶۰. آل‌احمد، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»، ۶۰-۶۲؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: از قول خوانندگان»، ۷؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷؛ مصطفوی، «معماری ایران بعد از دوران زندیه»، ۴۴؛ دانشور، «ره‌آورد سفر»، ۱.

۴۶. اسلامی ندوشن، «تهران»، ۱۸۷؛

محمدرضا عسکری، «زیبایی‌های سرزمین هزارویک‌شب»، *باشاد*، ش. ۱۳۶۸ (اردیبهشت ۱۳۴۲)؛ ۶؛ معین‌فر، «مد یا هنر؟ ...»، ۳۶.

۴۷. حاج‌یاسینی، *بازاندیشی در تاریخ‌نگاری معماری ایران*، ۵۹-۸۲. از معدود متون فارسی درباره دوره‌بندی تاریخ معماری ایران، سلسله مقالات محمدتقی مصطفوی در مجله بانک ساختمانی بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ بود که ضمن تأکید بر پیوستگی معماری ایران، به برخی تمایزات آن در ادوار تاریخی مختلف نیز نظر داشت.

۴۸. مصطفوی، «معماری ایران بعد از دوران زندیه»، ۴۵؛ اسلامی ندوشن،

«تهران»، ۱۸۷.

۴۹. صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: از قول خوانندگان»، ۷؛ معین‌فر، «مد یا هنر؟ ...»، ۳۶.

۵۰. همان؛ پیرنیا، «مسکن در ایران قدیم»، ۷؛ هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۲۸؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷.

۵۱. پیرنیا، «مسکن در ایران قدیم»، ۶؛ معین‌فر، «مد یا هنر؟ ...»، ۳۶.

۵۲. همان.

۵۳. همان؛ «تحول در سبک»، ۲۶.

۵۴. حامی، «معماری»، ۳۱۶.

- ۶۱ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷: معین‌فر، «مد یا هنر؟...»، ۳۶.
- ۶۲ همان؛ هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۳۰.
- ۶۳ همان.
- ۶۴ معین‌فر، «مد یا هنر؟...»، ۳۶؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷.
- ۶۵ آل‌احمد، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»، ۶۰.
- ۶۶ همان؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷.
- ۶۷ مهدی زواره‌ای، «علمی کردن صنعت کاشی‌سازی»، نقش و نگار، ش. ۴ (زمستان ۱۳۳۶): ۴۰.
- ۶۸ حسن نفیسی، «دربارهٔ مهمانسرای شاه عباس»، خوانندگی‌ها، سال ۲۴، ش. ۱۹ (۲ آذر ۱۳۴۲): ۴۲، ۴۳.
- ۶۹ استاد فرامرز، «مهمانسرای شاه عباس کبیر»، تهران اکونومیست، سال دهم، ش. ۴۷۱ (۲۰ مرداد ۱۳۴۱): ۲۰، ۲۱.
- ۷۰ علی‌اصغر امیری، «مهمانسرای شاه عباس»، خوانندگی‌ها، سال ۲۲، ش. ۹۰ (۹ مرداد ۱۳۴۱): ۵۰، ۵۱.
- ۷۱ عبدالحسین سپنتا، «کاروان‌سرای صفوی اصفهان را چگونه خراب کردند؟»، ارمنان، دورهٔ ۳۲، ش. ۱ (فروردین ۱۳۴۲): ۱۴، ۱۵. آل‌احمد پیش‌تر در این باره هشدار داده بود: آل‌احمد، «چند کلمه با مشاطه‌ها»، ۶۰، ۹۲-۹۶.

۷۲. سپنتا، «کاروان‌سرای صفوی اصفهان را چگونه خراب کردند؟»، ۱۴، ۱۵.
۷۳. عسکری، «زیبایی‌های سرزمین هزارویک‌شب»، ۳۶؛ معین‌فر، «مد یا هنر؟...»، ۳۶.
۷۴. صدر حاج‌سیدجوادی برای اثبات ارزشمندی معماری گذشتهٔ ایران در نظر متخصصان غربی، ناگزیر از جعل واقعیت بود. او دلیل سفر یکی از متخصصان ایالات متحده به ایران را مطالعهٔ آثار معماری گذشتهٔ ایران برمی‌شمرد، حال‌آنکه طبق برنامهٔ انجمن ایران و امریکا، موضوع سخنرانی‌های او معرفی معماری امریکا به ایرانیان بود (صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوهٔ معماری»، ۷؛ «بازدید یک متخصص معماری از ایران»، اطلاعات ش. ۱۰۵۴۴ (۱۲ تیر ۱۳۴۰): ۶). تمرکز بر مخاطب غیرایرانی طی دو دههٔ بعد و در پیوند روزافزون گفتمان‌های هویتی معماری با صنعت رو به رشد توریسم آشکارتر شد.
۷۵. پیرنیا، «مسکن در ایران قدیم»، ۶؛ هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۳۰؛ عسکری، «زیبایی‌های سرزمین هزارویک‌شب»، ۳۶.
۷۶. جزایری، «نکته‌ها و یادآوری‌هایی چند»، ۸۳.
۷۷. برگرفته از سخنرانی سال ۱۳۴۵ آشوری در دانشگاه آریامهر (داریوش آشوری، ما و مدرنیت (تهران: صراط، ۱۳۷۷)، ۶۶). برخی دیگر از روشنفکران نیز دربارهٔ محوریت دیدگاه غربی در
- شناخت ما از خود هشدار داده بودند (به‌طور نمونه اسلامی ندوشن، «تهران»، ۱۸۸، ۱۸۹).
۷۸. آل‌احمد، غرب‌زدگی، ۱۳۰.
۷۹. آل‌احمد مشاهداتش از این جلسه را در مقالهٔ «طرح مسجدی برای رفسنجان» نوشته است.
۸۰. در فروردین ۱۳۳۸ آل‌احمد با نام مستعار «آ.» مقاله‌ای نوشت و یوسف شریعت‌زاده با نام مستعار «مهندس شین» به‌تندی به او پاسخ داد که واکنش دوبارهٔ آل‌احمد را در پی داشت (نک: آ. آل‌احمد)، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»؛ مهندس شین (یوسف شریعت‌زاده)، «دربارهٔ مقالهٔ مسجد جدید قم»، علم و زندگی، ش. ۵، ۱۳۳۸: آ.؛ «بدون عنوان»، این مقالات با همان نام‌های مستعار در مجله درج شد، اما نام کامل نویسندگان بعداً در مجموعه مقالات آل‌احمد ذکر شده است (آل‌احمد، ادب و هنر امروز ایران: مجموعه مقالات ۱۳۳۴ - ۱۳۴۸، ج ۳، به کوشش مصطفی زمانی‌نیا، (تهران: نشر میترا و نشر همکلاسی، ۱۳۷۳)، ۱۱۸۱-۱۲۳۵).
۸۱. شریعت‌زاده، «دربارهٔ مقالهٔ مسجد جدید قم»، ۵۵.
۸۲. صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷: م. ن، «بحث دربارهٔ شیوه‌های معماری قدیم و نوین»، معماری نوین، ش. ۲ و ۳ (اسفند ۱۳۴۰): ۸ و ۹.
۸۳. از حدود ۶۵ سخنران همایش، حدود

- شش نفر معمار و همگی از استادان دانشکدهٔ هنرهای زیبا یا مسئولان نهادهای دولتی مرتبط با مسکن بودند (نک: سخنرانی‌ها و گزارش‌ها در نخستین همایش بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران).
۸۴. سخنرانی‌ها و گزارش‌ها در نخستین همایش بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران، ۵.
۸۵. منوچهر خورسند، «انجمن آرشیکت‌های ایرانی دیپلمه»، آرشیکت، سال اول، ش. ۱ (مرداد و شهریور ۱۳۲۵): ۳؛ وارطان هوانسیان، «مسائل مربوط به معماری ایران»، ترجمهٔ ایرج غفاری، آرشیکت، سال اول، ش. ۱ (مرداد و شهریور ۱۳۲۵): ۵.
۸۶. دربارهٔ این فهم از تاریخ نک: E.H. Carr, *What Is History* (New York: Alfred A. Knopf, 1969), 144, 145.
۸۷. سیحون، «تحولات معماری و ساختمانی در ایران»، گلبانگ، ش. ۲ (۱۳۳۹): ۹۸؛ م. ن، «بحث دربارهٔ شیوه‌های معماری قدیم و نوین»، ۸، ۹؛ شریعت‌زاده، «دربارهٔ مقالهٔ مسجد جدید قم»، ۵۵.
۸۸. همان؛ هوانسیان، «مسائل مربوط به معماری ایران»، ۸.
۸۹. هوانسیان، «رضاشاه کبیر مظهر آبادانی و عمران»، معماری نوین، ش. ۴ (۱۳۴۱): ۱؛ سیحون، «معماری نوین ما»، در سخنرانی‌ها و گزارش‌ها در نخستین همایش بررسی مسائل

- اجتماعی شهر تهران (تهران: انتشارات مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۳)، ۳۶۹.
۹۰. هوانسیان، «هدف ما»، معماری نوین، ش. ۱ (آبان و آذر ۱۳۴۰): ۱.
۹۱. از معدود نمونه‌های متقدم انتقاد معماران به رواج تقلید از غرب در معماری مصاحبه‌ای با هوشنگ سیحون پیش از کودتای سال ۱۳۳۲ بود (سیحون، «ملاقاتی با یک معمار جوان و هنرمند»، علم و زندگی، ش. ۲ (اردیبهشت ۱۳۳۲): ۱۷۷).
۹۲. شریعت‌زاده، «دربارهٔ مقالهٔ مسجد جدید قم»، ۵۵.
۹۳. سیحون، «تحولات معماری و ساختمانی در ایران»، ۹۹؛ سیحون، «مصاحبه‌ای با آقای مهندس سیحون»، بانک ساختمانی، دورهٔ ۲، ش. ۱ (فروردین ۱۳۴۰): ۱۱؛ سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۷۰.
۹۴. همان، ۲۷۲؛ سیحون، «تحولات معماری و ساختمانی در ایران»، ۹۹.
95. T. Garnham, *Architecture Re-assembled: The Use (and Abuse) of History* (New York: Routledge, 2013), 44, 45.
۹۶. سیحون، «مصاحبه‌ای با مهندس سیحون دربارهٔ معماری ایران، با تکرارهای دربارهٔ زلزله اخیر»، آرش، دورهٔ ۱، ش. ۵ (آذر ۱۳۴۱): ۴۲-۴۶؛ سیحون، «تحولات معماری و ساختمانی در ایران»، ۹۹.
۹۷. سیحون، «مصاحبه‌ای با آقای

- مهندس سیحون، ۱۲؛ سیحون، «نظری اجمالی درباره معماری معاصر ایران»، *سالنامه کانون مهندسين ايران*، ش. ۲۶ و ۲۷ (۱۳۴۲): ۵۴.
۹۸. سیحون، «تحوّلات معماری و ساختمانی در ایران»، ۹۸، ۹۹؛ سیحون، «مصاحبه‌ای با آقای مهندس سیحون»، ۱۲؛ شریعت‌زاده، «درباره مقاله مسجد جدید قم»، ۵۵.
۹۹. سیحون، «مصاحبه‌ای با آقای مهندس سیحون»، ۱۲.
۱۰۰. م. ن، «بحث درباره شیوه‌های معماری قدیم و نوین»، ۸؛ هوانسیان، «مسائل مربوط به معماری ایران»، ۴، ۵.
۱۰۱. همان، ۶، ۷؛ سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۷۰، ۲۷۱.
۱۰۲. سیحون، «نظری اجمالی درباره معماری معاصر ایران»، ۵۴.
۱۰۳. سیحون، «تحوّلات معماری و ساختمانی در ایران»، ۱۰۱.
۱۰۴. خورسند، «انجمن آرشیکت‌های ایرانی دیپلمه»، ۳؛ ایرج مشیری، «هدف ما»، آرشیکت، سال ۱، ش. ۱ (مرداد و شهریور ۱۳۲۵) و ۱ و ۲.
۱۰۵. نک: زهرا میرزایی، *تلقی از معماری در ایران در آینه تشریات معماری برهه اول دوره پهلوی دوم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، ۱۳۹۵.
۱۰۶. اسلامی ندوشن، «تهران»، ۱۹۱.
۱۰۷. هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۳۰؛ مهدوی، «مشکل مسکن»، ۳۱۹، ۳۲۰؛ معین‌فر، «مدیا هنر؟ ...»، ۳۶.
۱۰۸. در این زمان هنوز دولت اهمّامی برای این قبیل مداخلات در معماری نداشت اما مجله معماری نوین با همین استدلال، در زمرة منتقدان مداخله دولت برای ایجاد «سبک ایرانی» در نقاشی بود و نتیجه آن را «تصنع» در هنر می‌دانست. نک: آ. ب. آ، «بی‌ینال سوم تهران»، معماری نوین، ش. ۴ (۱۳۴۱): ۴۱؛ آ. ب. آ، «نمایشگاه آثار نقاشی ژازه طباطبایی»، معماری نوین، ش. ۱ (آبان و آذر ۱۳۴۰): ۴۱.
۱۰۹. معین‌فر، «مدیا هنر؟ ...»، ۳۵، ۳۶؛ مصطفوی، «معماری ایران بعد از دوران زنده»، ۴۴، ۴۵؛ جزایری، «نکته‌ها و یادآوری‌هایی چند»، ۸۴؛ «تحوّل در سبک»، ۲۶؛ حامی، «معماری»، ۳۱۶؛ صدر حاج‌سیدجوادی، «انتقاد: شیوه معماری»، ۷؛ هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۳۰.
۱۱۰. آل‌احمد، «مسجد جدید قم: آبروی معماری قرن اخیر»، ۶۰-۶۱.
۱۱۱. شریعت‌زاده، «درباره مقاله مسجد جدید قم»، ۵۵؛ سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۶۹، ۲۷۰.
۱۱۲. همان، ۲۷۲؛ سیحون، «نظری اجمالی درباره معماری معاصر ایران»، ۵۳، ۵۴.
۱۱۳. سیحون، «ملاقاتی با یک معمار جوان و هنرمند»، ۱۷۷؛ شریعت‌زاده، «درباره مقاله مسجد جدید قم»، ۵۵.
۱۱۴. سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۷۳؛ هوانسیان، «مسائل معماری در ایران»، آرشیکت، سال اول، ش. ۳ (پهنم و اسفند ۱۳۲۵): ۹۰؛ خورسند، «انجمن آرشیکت‌های ایرانی دیپلمه»، ۳.
۱۱۵. سیحون، «نظری اجمالی درباره معماری معاصر ایران»، ۵۳، ۵۴؛ سیحون، «مصاحبه‌ای با مهندس سیحون درباره معماری ایران، با تکمیل‌های درباره زلزله اخیر»، ۴۱، ۴۲.
۱۱۶. همان؛ سیحون، «ملاقاتی با یک معمار جوان و هنرمند»، ۱۷۷.
۱۱۷. یوسف شریعت‌زاده در پاسخ به آل‌احمد در مجله علم و زندگی از نام مستعار «مهندس شین» استفاده کرد حال آنکه پیش‌تر در همین مجله مقاله‌ای با نام کامل منتشر کرده بود. البته مقاله آل‌احمد نیز با نام مستعار «آ» به چاپ رسیده بود که با توجه به انتقادات تند او از دولت، در اختناق پس از کودتا معمول بود. پاسخ به انتقاد صدر حاج‌سیدجوادی در روزنامه/اطلاعات نیز با نام مستعار «م. ن» در مجله معماری نوین انتشار یافت.
۱۱۸. ناظم‌الاطبا، فرهنگ نفیسی، ذیل «تقلید».
۱۱۹. م. ن، «بحث درباره شیوه‌های معماری قدیم و نوین»، ۸، ۹.
۱۲۰. سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۷۱؛ شریعت‌زاده، «درباره مقاله مسجد جدید قم»، ۵۵.
۱۲۱. آ. ب. آ، «بی‌ینال سوم طهران»، ۴۲.
۱۲۲. سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۷۰.
۱۲۳. همان.
۱۲۴. شریعت‌زاده، «درباره مقاله مسجد جدید قم»، ۵۸-۶۱.
۱۲۵. ا. پطرسیان، «میل»، معماری نوین، ش. ۴ (۱۳۴۱): ۲۱.
۱۲۶. شریعت‌زاده، «درباره مقاله مسجد جدید قم»، ۵۸-۶۱.
۱۲۷. سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۷۰؛ هوانسیان، «رضاشاه کبیر مظهر آبادانی و عمران»، ۸ و ۹.
۱۲۸. سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۷۰.
۱۲۹. سیحون، «تحوّلات معماری و ساختمانی در ایران»، ۹۸.
۱۳۰. همان، ص ۹۸؛ محسن فروغی، «تحوّلات ساختمانی در ایران»، گلیانگ، ش. ۳ (۱۳۴۰) ۱۲۱؛ آ. ب. آ، «بی‌ینال سوم طهران»، ۴۱.
۱۳۱. این صورت‌بندی مختص معماری نبود و مجله معماری نوین در رد خواست «شیوه ملی» در نقاشی نیز از این حربه بهره می‌برد (نک: همان).
۱۳۲. هوانسیان، «مسائل مربوط به معماری ایران»، ۶.
۱۳۳. شریعت‌زاده، «درباره مقاله مسجد جدید قم»، ۵۵.
۱۳۴. سیحون، «تحوّلات معماری و ساختمانی در ایران»، ۹۸، ۹۹.
۱۳۵. سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۶۹.
۱۳۶. هاشمی حائری، «ساختمان مسکن»، ۳۰.
۱۳۷. دو نهاد مهم معماری این برهه، یعنی دانشکده هنرهای زیبا و مجله معماری نوین، مدعی برنامه‌ای برای مطالعه تاریخ معماری ایران شدند. دانشکده هنرهای زیبا این برنامه را «یکی از ارکان تعلیمات معماری در دانشکده» و مجله معماری نوین آن را «از اهم وظایف میاشران مجله» برشمرد (نک: سیحون، «مصاحبه‌ای با مهندس سیحون درباره معماری ایران، با تکمیل‌های درباره زلزله اخیر»، ۴۳؛ سیحون، «نظری اجمالی درباره معماری معاصر ایران»، ۵۴؛ یادداشت هیئت تحریریه مجله معماری نوین در ابتدای مقاله نادر حاکمی، «بررسی معماری گیلان»، معماری نوین، ش. ۵ (مرداد و شهریور ۱۳۴۱): ۱.
۱۳۸. سیحون، «معماری نوین ما»، ۲۷۱.
۱۳۹. «آسمان‌خراش‌های تهران»، *تهران اکونومیست*، سال دهم، ش. ۴۵۱ (۲۶ اسفند ۱۳۴۰): ۵۸.
۱۴۰. فروغی، «تحوّلات ساختمانی در ایران»، ۱۲۲.

This page is intentionally rendered without text.

این صفحه آگاهانه بدون متن ارائه شده است.